

## *Designing a Model of Business Democracy in Petrochemical Companies*

Alireza Abbasi Gorji<sup>1</sup>, Mohsen Akbari<sup>\*2</sup>, Esmail MalekAkhlagh<sup>3</sup>

1. Ph.D Candidate in Business Management, Faculty of Management and Economics, University of Guilan, Rasht, Iran.
2. Associate Professor, Department of Business Management, Faculty of Management and Economics, University of Guilan, Rasht, Iran. **Email:** m.akbari@guilan.ac.com
3. Associate Professor, Department of Business Management, Faculty of Management and Economics, University of Guilan, Rasht, Iran.

### ABSTRACT .

Democracy is one of the most powerful words in the world. In other words, democracy can be understood as an ideology, a concept or a theory. Democracy has been created in the field of politics and has been discussed in governance, but in recent years this concept has placed itself in organizations and companies and the business world in general. Commercial democracy is a concept that can be a way to achieve success, growth and development of organizations and companies. The aim of the current research is to present and formulate the commercial democracy model of Iranian petrochemical companies. This research was done qualitatively. The data research strategy is the foundation. The intended community includes business management specialists, professors with books and research in the field of business policy, as well as experts in the field of political science and political economy and high-ranking people of commercial organizations. Sampling is snowball and purposeful. Also, the data analysis method is based on the foundation's data analysis method with a systematic approach to the coding method. After analyzing the data, the results show that 27 categories for causal, central conditions, strategies, interveners, environmental categories and consequences have been obtained by the researcher.

**Keywords:** Democracy, Business, Business Democracy, Petrochemical Companies .

**JEL:** M20, M21, O21, O24, P11, P33, Q01

## طراحی الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی ایران

علیرضا عباسی گرگی<sup>۱</sup>، محسن اکبری\*<sup>۲</sup>، اسماعیل ملک‌اخلاق<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

### چکیده

دموکراسی یکی از قدرتمندترین کلمات در جهان است. به عبارتی دموکراسی را می‌توان به عنوان یک ایدئولوژی، یک مفهوم یا یک نظریه درک کرد. دموکراسی در حوزه‌ی سیاست ایجاد شده و در حکمرانی مطرح گردیده است، اما در سال‌های اخیر این مفهوم خود را در سازمان‌ها و شرکت‌ها و به طور کلی دنیای کسب و کار جای داده است. دموکراسی تجاری مفهومی است که می‌تواند راهگشایی برای رسیدن به موفقیت، رشد و توسعه‌ی سازمان‌ها و شرکت‌ها باشد. هدف پژوهش حاضر ارائه و تدوین الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی ایران است. این پژوهش به صورت کیفی انجام شده است. استراتژی پژوهش داده‌بنیاد است. جامعه مورد نظر شامل متخصصان مدیریت بازرگانی، اساتید دارای کتب و پژوهش در حوزه‌ی سیاست‌گذاری تجاری همچنین خبرگان حوزه علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی و افراد رده‌بالای سازمان‌های تجاری می‌باشند. نمونه‌گیری به صورت گلوله‌برفی و هدفمند است. همچنین روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل داده‌بنیاد با رویکرد سیستماتیک به روش کدگذاری می‌باشد. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج نشان می‌دهد که ۲۷ مقوله برای شرایط علی، محوری، راهبردها، مداخله‌گرها، مقوله‌های محیطی و پیامدها توسط پژوهشگر به دست آمده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** دموکراسی، تجارت، دموکراسی تجاری، شرکت‌های پتروشیمی.

**طبقه‌بندی JEL:** M20، M21، O21، O24، P11، P33، Q01.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول:

m.akbari@guilan.ac.com)

<sup>۳</sup>. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

## مقدمه

مفهوم دموکراسی از معدود مفاهیم سیاسی است که قدمت بسیار طولانی دارد و تاکنون نیز از مهم‌ترین مباحث علم سیاست به‌شمار می‌رود. گرچه بر اساس ریشه کلمه دموکراسی این مفهوم به معنای حاکمیت مردم تعریف می‌شود و در همه نظریه‌های دموکراسی نیز به گونه‌ای به آن اشاره شده است، اما در واقع مفهوم دموکراسی در بستر زمان دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های مفهومی و نهادی بسیار شده است (یحیی‌پور، ۱۳۹۴).

امروزه عرصه‌های عدم توافق در مورد دموکراسی بسیار گسترده است و همین امر نیز سبب شکل‌گیری نظریه‌های مختلفی پیرامون آن گردیده است. دموکراسی هنگامی گسترش میابد که افراد و گروه‌ها مشارکت بیشتری در صحنه‌های سیاسی (در مفهوم مثبت آن) داشته باشند و برای بسط و گسترش آزادی‌های سیاسی، مدنی و حتی فردی شهروندان تلاش شود. بنابراین منظور از توسعه دموکراسی، گسترش و رشد شاخص‌های مختلف دموکراسی از جنبه‌های مختلف در یک کشور یا جامعه است که ممکن است وجود داشته یا وجود نداشته باشد و یا روند آن کند یا سریع باشد. لذا میزان دموکراسی با سنجش میزان رشد شاخص‌های دموکراسی در آن کشور یا جامعه تعیین می‌گردد. با توجه به نقش مهم دموکراسی در توسعه اقتصادی کشورها، اغلب جوامع به دنبال دسترسی هر چه بیشتر به جنبه‌های مختلف دموکراسی می‌باشند (سولیموسی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

به‌طور کلی باید اشاره کرد که مفهوم حاکمیت شرکتی، به مقررات، قوانین، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی که موجب دستیابی به اهدافی همچون پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود، اشاره دارد. این موارد که در مورد حاکمیت شرکتی بیان شد، به وجود و تأثیر حاکمیت شرکتی که مشارکتی باشد و منافع همه‌ی ذینفعان را در نظر بگیرد، بیشتر تأکید می‌کند و این به معنای توجه به دموکراسی تجاری است (جیانگ و کیم<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). دموکراسی تجاری مفهومی است که می‌تواند راهگشایی برای رسیدن به موفقیت، رشد و توسعه‌ی سازمان‌ها و شرکت‌ها باشد. به عبارتی دموکراسی تجاری ممکن است علی‌رغم ماهیت غیرامیدبخش خود، هنوز پتانسیلی برای اصلاح ریشه‌ای‌تر دموکراسی متعارف، ارائه دهد (سولیموسی، ۲۰۲۰).

از مهم‌ترین آرمان‌های جوامع سیاسی امروزی، نزدیکی سیستم حکومتی به مردم و احترام به حقوق افراد جامعه است. ارتباط بین دموکراسی و متغیرهای کلان اقتصادی، موضوع مورد مطالعه بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی و اقتصادی بوده است. بسیاری از محققان معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی پیش‌شرط دموکراسی است. ظهور این رویکرد به دموکراسی، نتیجه تحول در ساختار طبقاتی، توسعه اقتصادی، افزایش شهرنشینی، توسعه تجارت و سایر عوامل فرهنگی و مذهبی بوده است (بک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). مطالعات حاکی از آن است که هر کشوری الگوی حاکمیت شرکتی منحصر به خود

<sup>1</sup> Solymossy

<sup>2</sup> Jiang, & Kim

<sup>3</sup> Beck

را دارد، زیرا شرکت‌ها در کشورهای مختلف در یک محتوای تاریخی توسعه پیدا کرده‌اند. به همین دلیل در محیط‌های فرهنگی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی غیرهمگونی عمل می‌نمایند. در نتیجه هر کشور، مدل یا مدل‌های حاکمیت شرکتی خاصی را توسعه بخشیده است تا بتواند عملکرد تجاری خود را به بهترین وجه عملی سازد (دینگنام<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ تایل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). با بررسی و مطالعه هر یک از مدل‌های حاکمیت شرکتی به این نتیجه رسیدیم که هر یک از این مدل‌ها دارای نقاط قوت و ضعف هستند. با توجه به این که حاکمیت شرکتی متأثر از عواملی همچون عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و میزان حمایت قانونی از سرمایه‌گذار است، سیستم حقوقی هر کشور حاکمیت شرکتی خاص خود را دارد.

نظر به این که امکان همگرایی و ادغام مدل‌ها بعید به نظر می‌رسد، مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی می‌تواند به عنوان مدل مناسب قابل پذیرش باشد. چنین مدلی می‌تواند پایداری و مشروعیت سیستم‌های اقتصادی را در یک چارچوب متنوع اجتماعی و سیاسی تقویت نماید. البته نظر به وضعیت ایران و فقدان نظام حاکمیت شرکتی محکم و عدم وجود قوانین کافی و فقدان بازار رقابتی، الگوی ترکیبی ترکیب‌کننده در حال توسعه برای ایران مناسب‌تر است. در ایران که جهت‌گیری خصوصی‌سازی آغاز شده‌است، نیاز به یک حرکت تدریجی است تا مقررات مناسب با آنچه اقتصاد آزاد و عملکرد داخلی شرکت‌ها اقتضا می‌کند، وضع شود. اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی نیازمند الزاماتی چون فرهنگ‌سازی به‌ویژه ترویج فرهنگ سهامداری الزامات قانونی، مخصوصاً وجود قانون تجارت و قانون حاکمیت شرکتی مناسب و کارآمد و تربیت مدیران حرفه‌ای و همچنین شفافیت اطلاعاتی می‌باشد (یحیی‌پور، ۱۳۹۴).

مطالعات موردی که به بررسی موضع منافع تجاری در قبال اصلاحات اقتصادی و دموکراسی پرداختند، به‌طور کلی نتایج متناقضی را نشان داده‌است. دموکراسی به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی در مدل‌های اقتصادسنجی وارد شده‌است و کمتر به تأثیرپذیری دموکراسی از متغیرهای اقتصادی پرداخته شده‌است. بر اساس ادبیات اقتصادی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی موثر بر دموکراسی، تجارت و رشد اقتصادی هستند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶). این دیدگاه که تجارت به ایجاد دموکراسی کمک می‌کند، مبتنی بر دو استدلال است: ۱. تجارت منجر به توسعه اقتصادی می‌شود و ۲. توسعه اقتصادی به پرورش دموکراسی کمک می‌کند.

سال‌هاست که دموکراسی و توسعه، به عنوان اهدافی جهانی در کنار هم به کار برده می‌شوند. از یکسو رشد اقتصادی و از سوی دیگر دموکراسی توجه بسیاری از سیاستمداران و اقتصاددانان را به خود جلب کرده‌است. در جمهوری اسلامی ایران بدون آزادی سیاسی، منافع توسعه اقتصادی به انحصار گروه حاکم درمی‌آید. این امر غالباً به پیدایش انحصارها، تخصیص نامطلوب منابع، ناپه‌نجاری، پیدایش بحران‌های اقتصادی، ناآرامی اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و نهایتاً فروپاشی نظام منجر می‌گردد. همچنین

<sup>1</sup> Dignem

<sup>2</sup> Thyil

وجود دموکراسی، رفتار سیاستمداران و احزاب سیاسی را کنترل کرده و مانع از آن می‌شود که سیاستمداران بتوانند سیاست‌های نامتعادل و نادرست در پیش گیرند. در صورت اتخاذ سیاست‌های نادرست، دموکراسی با تأمین روشی مسالمت‌آمیز برای تغییر و اصلاح دولت، هزینه اقتصادی و اجتماعی تصحیح سیاست‌های نادرست را کاهش داده و موجب افزایش ظرفیت بلندمدت اقتصاد می‌گردد (تقی زاده، ۱۳۹۹).

در پژوهش حاضر، تحقیقات اودین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) و آيسن و ويگا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) مبنا قرار داده می‌شود که در پژوهش‌های مختلفی به بررسی رابطه درآمد و دموکراسی و نظریه مدرنیزاسیون و دموکراسی پرداختند. همچنین با توجه به اینکه صنعت پتروشیمی یکی از صنایع مهم جهانی است و در تعامل با اقتصاد جهانی قرار دارد، وجود قدرت به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب در عرصه بین‌المللی بسیار حائز اهمیت می‌باشد (اودین و همکاران، ۲۰۱۷). لذا این پژوهش به دنبال طراحی الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی ایران می‌باشد. بر اساس چشم‌انداز صنعت پتروشیمی کشور در افق ۱۴۰۴، ایران باید اولین تولیدکننده مواد و کالاهای پتروشیمی از لحاظ ارزش در منطقه باشد. بررسی برنامه‌های توسعه در صنعت پتروشیمی کشور نشان می‌دهد که رویکرد غالب برای تحقق هدف مذکور، مبتنی بر الگوی بهره‌برداری از منابع بوده است. بنابراین در قوانین و اسناد بالادستی کشور، صنعت پتروشیمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که باید تلاش شود اهداف این اسناد و قوانین از طریق توسعه صنایع پایین‌دستی تکمیلی، انتخاب طرح‌های مناسب و مکان‌یابی درست، تدوین و تصویب استراتژی توسعه صنعت پتروشیمی کشور تحقق یابد.

با گسترش بخش خصوصی و تقویت آن از جنبه سیاسی نیز شاهد تغییراتی در آینده خواهیم بود. اما در صنعت پتروشیمی قطعاً این موضوع تغییرات عمده مثبت را به دنبال خواهد داشت. فرصت‌های ایجاد شده برای حضور بخش خصوصی در این صنعت، گسترش سرمایه‌گذاری و همچنین حضور ایده‌ها و افکار جدید قطعاً موجب پیشرفت و رشد این صنعت خواهد شد. باید اشاره کرده که این صنعت جزء اولین صناعی بود که به جرگه خصوصی‌سازی پیوست و به عبارتی سابقه طولانی در این راه دارد. اما عمده‌ترین موانع و چالش‌ها بیشتر مربوط به قوانین و دستورالعمل‌ها می‌باشد. بدین مفهوم که اصولاً ورود به این موضوع بسیار مهم نیازمند قوانین یکپارچه و منسجمی بود که در جزئیات موضوع، این قوانین وجود نداشت و بعد از شروع کار با توجه به کمبودها، قوانینی وضع شد که همین قوانین با قوانین دیگر در تعارض قرار گرفت، مرحله واگذاری نیز فاقد قوانین بود و اکنون در مرحله بعد از واگذاری نیز کمبود قوانین کاملاً مشهود است.

موضوع مهم دیگر در این مورد، تعیین نقش و جایگاه مدیریتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌باشد. بدون تردید برای گسترش این صنعت در کشور حضور کارشناسان و متخصصین و مهم‌تر از همه تجربه شرکت ملی صنایع پتروشیمی نمی‌تواند نادیده گرفته شود. بنابراین یافتن طرحی مناسب برای ارائه

<sup>1</sup> Uddin et al.

<sup>2</sup> Aisen & Veiga

فعالیت این شرکت ضروری و حتمی می‌باشد. مساله مهم دیگر، وجود نهادی مستقل و خارج از حیطه نفوذ ذی‌نفعان و رانت‌جویان برای اتخاذ تصمیم‌های کلیدی اقتصادی است. با توجه به نقش مهم دموکراسی در توسعه اقتصادی کشورها، اغلب جوامع به دنبال دسترسی هرچه بیشتر به جنبه‌های مختلف دموکراسی می‌باشند. همانطور که مشاهده می‌شود درباره آثار، عوامل و ابعاد دموکراسی بر توسعه و رشد اقتصادی، آراء متضادی وجود دارد. از این رو در پژوهش حاضر، برای پاسخ به این پرسش تلاش شده است. در نتیجه سوال اصلی پژوهش حاضر این است که مدل دموکراسی تجاری در شرکت‌های پتروشیمی دارای چه ابعاد و ویژگی‌هایی است؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### دموکراسی

دموکراسی واژه‌ای یونانی است که از دو واژه دموس<sup>۱</sup> و کراتوس<sup>۲</sup> تشکیل شده است. دموس به معنای شهروندان پولیس یا دولت شهر است و کراتوس نیز به معنای قدرت و قانون می‌باشد. اما نحوه‌ی گذار به دموکراسی و دموکراتیک شدن بعد از جنگ جهانی دوم مورد توجه بیشتری قرار گرفت. دموکراتیک شدن حکومت به میزان مسئولیت‌پذیری حکام و امکان مشارکت و رقابت در زندگی سیاسی وابسته است. طبعاً لازمه دموکراتیک شدن حکومت، به معنای برقراری آزادی‌های مدنی و سیاسی به‌خصوص آزادی اندیشه، بیان و اجتماع است. تعریف دموکراسی دشوار است، زیرا درک و کاربرد آن در عمل بسیار دشوار می‌باشد (مارکوپولوس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

به‌طور کلی معنای دموکراسی را می‌توان اینگونه خلاصه کرد که شیوه تصمیم‌گیری در مورد قوانین و سیاست‌های الزام‌آور جمعی که مردم بر آنها کنترل دارند و دموکراتیک‌ترین ترتیب این است که در آن همه اعضای جمع، از حقوق مساوی مؤثر برای مشارکت مستقیم در چنین تصمیم‌گیری برخوردار باشند، که اصول کنترل مردمی و برابری را در اعمال خود به بیشترین میزان قابل تصور، تحقق می‌بخشد (عبدللاتیف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳، ص ۵). باید اشاره کرد که سه عنصر اصلی که یک دموکراسی را تشکیل می‌دهند عبارتند از حاکمیت فردی، برابری میان شهروندان و هنجارها و ارزش‌های دموکراتیک (اشتاینمتز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹، ص ۳).

همچنین در ادامه باید اشاره نمود که اهداف دموکراسی می‌توانند متفاوت باشند. بعضی در پی تأمین اراده و مصلحت عمومی هستند (دموکراسی روسویی)، برخی از آن‌ها برای تأمین حقوق و آزادی‌های فردی ایجاد شده‌اند که به آن‌ها دموکراسی لیبرال گفته می‌شود و عده‌ای از اندیشمندان هم به دموکراسی نگاهی واقع‌گرایانه دارند و آن را بر اساس آنچه هست تعریف می‌کنند که به آن دموکراسی نخبه‌گرا گفته می‌شود (علی‌مرادی افشار، ۱۳۹۶، ص ۱۸). علاوه بر موارد گفته شده برای دموکراسی

<sup>1</sup> Demos

<sup>2</sup> Krato

<sup>3</sup> Markopoulos

<sup>4</sup> Abdellatif

<sup>5</sup> Steinmetz

اصولی مطرح شده است که همه‌ی نظریات دموکراسی بر آنان تأکید دارند، این اصول عبارتند از اصل حاکمیت مردم، برابری سیاسی، آگاهی سیاسی، نظارت همگانی، آزادی سیاسی و اصالت قانون (بیتهام، ۱۳۹۹).

### دموکراسی و اقتصاد

از زمان کار لیپست<sup>۱</sup> (۱۹۵۹) در مورد پیش‌نیازهای اجتماعی-اقتصادی دموکراسی، تعداد قابل توجهی از دانشمندان علوم اجتماعی نظریه‌هایی را در مورد رابطه بین دموکراسی و توسعه اقتصادی نظریه‌پردازی کردند و به‌صورت تجربی آزمایش کردند. با این وجود هنوز اجماع روشنی در مورد رابطه علی بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی به‌دست نیامده است (لیپست، ۲۰۱۹، ص ۳۲). به‌طور کلی باید اشاره کرد که در مورد ارتباط بین دموکراسی و رشد اقتصادی مطالعات زیادی صورت گرفته است. اولین نظریه در این حوزه متعلق به لیپست (۱۹۵۹) می‌باشد. او بیان می‌کند که دموکراسی از مجموعه‌ای از شرایط یا ویژگی‌های نهادی یک جامعه ناشی می‌شود که در حال حاضر در کشور وجود دارد، مانند ثروت، شهرنشینی، آموزش و صنعتی شدن. او همچنین بیان می‌کند که دموکراسی به دلیل بهبود این نهادها و ارزش‌های حمایت‌کننده و همچنین به دلیل فرایندهای خودنگهداری کشور، تثبیت و بالغ می‌شود. با ثروتمندتر شدن کشورها، دموکراسی توانایی بقا را توسعه می‌دهد (چیسادزا و بیتنکورت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹، ص ۲۴۸).

برخی از محققان استدلال می‌کنند که رشد اقتصادی باعث بسیج اجتماعی می‌شود که به نوبه خود به بسیج سیاسی و در نهایت تغییر رژیم به دموکراسی منجر می‌گردد. به‌طور منطقی ایده‌های جدیدی که در نتیجه رشد اقتصادی و یا صنعتی‌سازی به‌دست می‌آیند، طبقات و اقشار اجتماعی جدیدی را ایجاد می‌کنند که موجب تحول اجتماعی می‌شوند. در مقابل محققان دیگر پیشنهاد می‌کنند که با دموکراتیزه شدن یک ملت، اقتصاد سریع‌تر توسعه می‌یابد. افراد می‌خواهند مطمئن باشند که اموالی که انباشته می‌کنند، مورد احترام قرار می‌گیرد و تنها جوامع دموکراتیک چنین اطمینانی را ایجاد می‌کنند. با این حال محققان دیگر به دو دلیل هیچ رابطه‌ی سیستماتیک بین توسعه اقتصادی و دموکراسی پیدا نمی‌کنند. اولاً توسعه اقتصادی لزوماً منجر به سطوح بالاتر دموکراسی نمی‌شود، زیرا دموکراسی‌سازی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد. ثانیاً توسعه اقتصادی متأثر از عوامل بسیاری است (هیو و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۴۶۳).

ایجاد مفهوم دموکراسی اقتصادی تأکید بیشتری بر نماینده بودن در حمایت از تحقق برابری اقتصادی برای کل جامعه دارد. همچنین لازم است که برای تحقق این دموکراسی مشارکت فعال از سوی اجزای ملت را داشته باشیم (سوریاواتی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱، ص ۲۶۴). همچنین باید اشاره کرد که هیو و همکاران (۲۰۰۱)

<sup>1</sup> Lipset

<sup>2</sup> Chisadza, & Bittencourt

<sup>3</sup> Suryawati

در پژوهش خود اظهار داشتند که توسعه اقتصادی منجر به دموکراتیزه شدن می‌شود. با این حال از نظر تئوریک، سیستم‌های سیاسی دموکراتیک‌تر نیز می‌توانند رشد و توسعه اقتصادی را تحریک کنند. بنابراین دموکراسی ممکن است به رشد اقتصادی منجر شود، در حالی که توسعه اقتصادی هم ممکن است به دموکراتیزه شدن منجر شود (هیو و تان، ۲۰۰۱، ص ۴۶۳).

همچنین یک مطالعه نشان داده است که رشد اقتصادی ابتدا پس از دموکراتیزه شدن کاهش می‌یابد، قبل از اینکه افزایش یابد و سپس به اوج خود می‌رسد و پس از حدود سه سال تثبیت می‌شود. به تعبیر دیگر، از تغییر رژیم تا اینکه رهبران جدید بتوانند سیاست‌های اقتصادی جدید را وضع کنند، زمان می‌برد. سپس این سیاست‌ها باید اجرا شوند و شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان و کارگران به زمان نیاز دارند تا پاسخ دهند و سرمایه‌گذاری، خرید و عرضه نیروی کار خود را تنظیم کنند (بویس، ادگل، هیلمبر، مایرز و لیندبرگ، ۲۰۲۰، ص ۴۹). در ادامه باید اشاره کرد که به اعتقاد برخی از اندیشمندان دموکراسی می‌تواند اثرات منفی بر توسعه اقتصادی داشته باشد و دلایل آن‌ها به شرح زیر است: ۱. ترس از مطالبات پوپولیستی، ۲. مشکلات نمایندگی بین مردم و سیاستمداران و ۳. بازتوزیع بیش از حد که ممکن است برای رشد مضر باشد (پوزولو، اسلیپوویتز و والتین، ۲۰۱۶، ص ۲).

همچنین مطابق با بررسی‌های انجام شده توسط اندیشمندان، از تأثیرات مثبت دموکراسی بر رشد و توسعه اقتصادی می‌توان به موارد زیر نام برد: کاهش درگیری‌های اجتماعی، جلوگیری از انحصار فرصت‌های اقتصادی سودآور توسط گروه‌های قدرتمند سیاسی، داشتن عملکرد بهتر در بحران‌های اقتصادی، ایجاد رشد بهتر در کشورهای منزوی و دارای عملکرد ضعیف اقتصادی، تأثیر مثبت بر ثبات سیاسی، کاهش هزینه‌های مبادله، بهبود نواقص بازار و جلوگیری از رفتار غارتگرانه (کنوتسن، ۲۰۲۱، ص ۱۵۰۹؛ آندرسون، ۲۰۲۲، ص ۲؛ ندیم، ۲۰۲۰).

به‌طور کلی تحلیل‌های نظری منجر به پیش‌بینی‌های مبهم می‌شود. از یک‌سو دموکراسی می‌تواند به دلیل تأثیر مخرب سیاست‌های بازتوزیع‌کننده و احتمال بن‌بست سیاسی و سیاست‌های گروه‌های ذینفع، از رشد اقتصادی جلوگیری کند. از سوی دیگر دموکراسی می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق تشویق سرمایه‌گذاری در آموزش و کالاهای عمومی و محدودیت‌های بیشتر برای رهبران سیاسی که توانایی گروه‌های قدرتمند سیاسی را برای جذب بیشتر فرصت‌های اقتصادی پرسود محدود می‌کند، ارتقا دهد (ماتونات، و مینیاء، ۲۰۱۹، ص ۲). یکی از ملزومات اساسی، تدوین مقررات شرکت‌های سهامی با چارچوب اصول حاکمیت شرکتی مناسب است. حاکمیت خوب، همیشه همراه و لازمه شرکت‌های موفق بوده است.

<sup>1</sup> Heo, & Tan

<sup>2</sup> Boese, Edgell, Hellmeier, Maerz, & Lindberg

<sup>3</sup> Pozuelo, Slipowitz, & Vuletin

<sup>4</sup> Andersen

<sup>5</sup> Nadeem

<sup>6</sup> Mathonnat, & Minea



### حاکمیت شرکتی

مفهوم حاکمیت شرکتی از اوایل سال‌های ۱۹۹۰ به بعد در کشور انگلستان، آمریکا و کانادا با توجه به مسائل و مشکلاتی که ناشی از فقدان اثربخشی هیئت شرکت‌های بزرگ دنیا بود، مطرح شد. مفهوم حاکمیت شرکتی در کشورهای آسیایی بعد از بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ و رسوایی‌های شرکتی اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ در این منطقه از جهان توجه‌ها را به خود جلب نمود (جیانگ و کیم، ۲۰۲۰، ص ۷۳۴).

به‌طور سنتی حاکمیت شرکتی به عنوان یک مدل طراحی شده برای محافظت از سرمایه‌گذاری سهامداران در برابر چنگال مدیران فرصت‌طلب در نظر گرفته شده‌است. با این حال در سال‌های اخیر، حکمرانی به‌طور فزاینده‌ای برای شکل گسترده‌تری از نظارت بر فعالیت‌های شرکتی از جمله تأثیر بر جامعه و محیط‌زیست اعمال شده است (ناسیتی، سزارونی و پولخو، ۲۰۲۱، ص ۱). همچنین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، نهادهای اقتصادی و قانونی هستند که می‌توان آن‌ها را از طریق فرآیند سیاسی تغییر داد.

شرکت‌ها گاهی اوقات برای بهتر شدن و به حداقل رساندن هزینه‌ها، قوانینی از جمله مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی را اتخاذ می‌کنند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا سرمایه خارجی را با کمترین هزینه افزایش دهند (مالین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). به عبارتی حاکمیت شرکتی ابزاری است که از طریق آن ذینفعان مختلف با اعمال برخی حقوق که در چارچوب‌های قانونی و نظارتی موجود و همچنین آیین‌نامه‌های شرکتی تعیین شده است، بر یک شرکت کنترل می‌کنند (مارتینز-خیمنز، هرناندز-اورتیزو فرناندز<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰، ص ۲). مدل‌های مختلفی از حاکمیت شرکتی در سراسر جهان در کشورهای مختلف وجود دارد که عبارتند از:

- مدل انگلوساکسون: این مدل به‌طور گسترده در سراسر جهان به‌ویژه در کشورهای مشترک المنافع دنبال می‌شود. سهامداران بیان می‌کنند که مسئولیت اصلی مدیران شرکت به حداکثر رساندن ثروت سهامداران است، زیرا آن‌ها صاحبان شرکت هستند و بالاترین ریسک را متحمل می‌شوند (نونجی و هاوول، ۲۰۰۷؛ شلیفر و ویشنی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).
- مدل اروپای قاره‌ای: مدل اروپای قاره‌ای بر اساس نظریه سهامداران ارائه شده توسط فریمن (۲۰۱۰) است. نظریه ذینفعان دیدگاه گسترده‌تری دارد و معتقد است که وظیفه امانت‌داری مدیران، حفاظت از منافع مشروع نه تنها سهامداران بلکه گروه وسیع‌تری از ذینفعان داخلی و خارجی مانند کارکنان، مشتریان، تامین‌کنندگان، خود مدیریت، دولت و گروه‌های اجتماعی، محیط زیست، جامعه و به‌طور کلی سیاسی است (زیتول و ایلونا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸).

<sup>1</sup> Naciti, Cesaroni, & Pulejo,

<sup>2</sup> Mallin

<sup>3</sup> Martinez-Jimenez, Hernández-Ortiz, & Fernández

<sup>4</sup> Shleifer and Vishny

<sup>5</sup> Zaitul & Ilona

- مدل حاکمیت شرکتی ژاپنی: مدل ژاپنی به عنوان مدل بانک‌محور مشهور است. این مدل نه تنها دیدگاه سهامداران را نشان می‌دهد، بلکه مؤلفه‌ی مهم دیگری از مقررات و دخالت دولت قوی را نیز نشان می‌دهد. در این ساختار هیئت مدیره به عنوان دفتر مدیران نماینده و دفتر حساب‌رسان شکل می‌گیرد. بانک‌ها تأثیر زیادی بر رویه تصمیم‌گیری مدیریت در ساختار حاکمیت شرکتی ژاپنی دارند (آلن و ژائو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

### دموکراسی تجاری

به گفته رابرت رایش<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، زمانی بود که سرمایه‌داری و دموکراسی به‌طور تقریبی کاملاً متعادل بودند. این دوره ۱۹۴۵-۱۹۷۵ بود که او آن را عصر نه‌چندان طلایی می‌نامد. در این دوره یک قرارداد اجتماعی سه‌جانبه بین مشاغل بزرگ، کارگران بزرگ و دولت بزرگ وجود داشت. هر کدام مطمئن بودند که آن‌ها و دو نفر دیگر سهم عادلانه‌ای از کیک دریافت می‌کنند. اما از اواسط دهه ۷۰، همه چیز تغییر کرده‌است. سرمایه‌داری به یک ابرسرمایه‌داری تبدیل شد، جامعه‌ای خاص که در آن مصرف‌کننده پادشاه است و قیمت‌ها همیشه پایین می‌آید. این ابرسرمایه‌داری، یک جامعه مصرفی که با پراکندگی جهانی، اخراج‌های گسترده، دستمزدهای گزاف مدیران عامل و تأثیرات سیاسی گسترده تجاری در انتخابات و امور روزمره مشخص می‌شود (رایش، ۲۰۰۸). با توجه به آنچه ذکر شد، تالیس (۲۰۱۳) معتقد است که امروزه ابرسرمایه‌داری، دموکراسی را غارت کرده است. وی استدلال می‌کند که دموکراسی؛ که وظیفه مراقبت از همه شهروندان را بر عهده دارد، تحت تأثیر آن کمتر و کمتر مؤثر می‌شود، در حالی که ابرسرمایه‌داری به طرز شگفت‌انگیزی برای بزرگ‌تر کردن کیک اقتصادی کار می‌کند. برنده این تحول بزرگ مصرف‌کننده (سرمایه‌گذار) و بازنده شهروند (مزدبگیر) است (تالیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳، ص ۱).

در ادامه باید اشاره کرد که امروزه نقش و جایگاه دولت به‌شدت کاهش یافته است. همچنین در زمانی زندگی می‌کنیم که خطوط بین تجارت و دولت به‌طور فزاینده‌ای مبهم شده است و افکار عمومی به‌طور فزاینده‌ای دوقطبی شده‌است. دموکراسی تجاری یک فلسفه اجتماعی-اقتصادی است که پیشنهاد می‌کند قدرت تصمیم‌گیری از مدیران و سهامداران شرکت‌ها به گروه بزرگ‌تری از سهامداران عمومی که شامل کارگران، مشتریان، تأمین‌کنندگان و عموم مردم است، تغییر یابد (اسمیت، ۲۰۰۵). دموکراسی تجاری می‌تواند در سه سطح متمایز بررسی شود: ۱. سطح کشور، ۲. سطح بنگاه و ۳. سطح محصول (مارکوپولوس، ۲۰۱۵).

علاوه بر موارد گفته شده باید اشاره کرد که دموکراسی تجاری را می‌توان بر اساس ارزش مشترک تولید شده نشان داد. ارزش مشترک در کسب و کار نیز به نوبه خود به گونه‌ای تعریف شده‌است که

<sup>1</sup> Allen and Zhao

<sup>3</sup> Talisse

<sup>2</sup> Reich

ارزش‌آفرینی اقتصادی در داخل یک شرکت و همچنین ایجاد ارزش برای جامعه با توجه به نیازها و چالش‌های آن را پوشش می‌دهد. هدف، دستیابی به موفقیت اقتصادی از طریق فعالیت‌های شرکت است تا همه‌ی ذینفعان سهم خود را به‌دست آورند. به این ترتیب ارزش مشترک می‌تواند به عنوان وسیله‌ای خلاق برای برآوردن نیازهای اجتماعی و همچنین ابزاری برای توسعه دموکراسی تجاری دیده شود (مارکوپولوس و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۶۰۳). موضوع مهمی که باید به آن توجه کرد این است که یکی از راه‌های دستیابی به دموکراسی تجاری، مالکیت مشارکتی همه شرکت‌کنندگان است. بر این اساس لازم است اقداماتی انجام شود که منجر به پایداری، کارایی، اثربخشی و پاسخگویی شرکت‌های دولتی و بروکراتیک شود. راه‌حل مناسب برای رسیدن به این هدف، وجود ساختار دموکراسی و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی می‌باشد (بروان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰، ص ۷).

مفهوم مهم دیگری که با دموکراسی تجاری در یک راستا می‌باشد و اهمیت زیادی در برقراری و ایجاد دموکراسی تجاری دارد، دموکراسی شرکتی است. به عبارتی می‌توان گفت که این مفهوم، جزئی‌تر از مفهوم دموکراسی تجاری است و به‌صورت ویژه به حاکمیت دموکراسی در شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌پردازد.

### دموکراسی شرکتی

دموکراسی شرکتی معانی زیادی را مورد توجه قرار داده است. در کلی‌ترین تعریف به سیستمی از حکمرانی دموکراتیک تعبیه شده در یک ساختار سازمانی حمایتی اشاره دارد که حداقل شامل ادعاهای باقی‌مانده مشترک همه اعضا در ترکیب با قوانین تصمیم‌گیری دموکراتیک است. قواعد تصمیم‌گیری دموکراتیک فرصت‌هایی را برای همه‌ی اعضای سازمان فراهم می‌کند تا به‌طور مشترک در مورد پرسنل، امور اجتماعی و اقتصادی سازمان تعیین کنند. ساختار سازمانی حمایتگر، عملکرد روان فرآیندهای دموکراتیک را تضمین می‌کند (دی جانگ و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۵۴). به عبارتی، شرکت‌هایی که حول اصول دموکراتیک سازماندهی شده‌اند، از شفافیت اطلاعاتی و رفتار منصفانه با همه حمایت خواهند کرد. بنابراین در شرکت‌های دموکراتیک، کارکنان احساس مشارکت بیشتری می‌کنند، زیرا آزادی رفتار و احساس هدف مشترک را تجربه می‌کنند (بووی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸، ص ۹۴۳).

در مورد مدل‌های دموکراسی شرکتی، مدل ماریپچی یکی از مدل‌هایی است که توسط اندیشمندان مطرح شده است. این مدل از طریق چارچوبی اجرا می‌شود که در آن از روش ماریپچی تکامل سازمانی برای ایجاد و اجرای فرهنگ‌های دموکراتیک مبتنی بر دانش استفاده می‌شود (مارکوپولوس و وانهارانتا، ۲۰۱۷، ص ۲۸۰). روش ماریپچی به شناسایی و دستیابی به ظرفیت، قابلیت، شایستگی و بلوغ مورد نیاز برای تبدیل داده‌ها، اطلاعات و دانش، به نوآوری کمک می‌کند. فرآیند ماریپچی در این مدل، مبتنی بر درجه‌ی دموکراسی در سازمان‌ها است. سطوح روش ماریپچی، دموکراسی شرکت یک ساختار هرمی

<sup>1</sup> Brown

<sup>2</sup> Bowie

را تشکیل می‌دهد. شکل هرم برای اشاره به پیشرفت تدریجی سطوح و همچنین نشان دادن این موضوع انتخاب شده است که همه کسانی که این مسیر را انجام می‌دهند، نمی‌توانند بدون تعهد واقعی، عزم و توانایی سازمانی و بلوغ به اوج برسند (وانهارانتا و مارکوپولوس، ۲۰۱۹، ص ۱۸۱). به‌طور کلی مدل دموکراسی شرکتی از یک رویکرد میان رشته‌ای (استراتژی مدیریت، دانش، نوآوری، منابع انسانی، فناوری، تولید، رهبری، کیفیت، فرآیندها، مهندسی، تحقیق و توسعه و...) پشتیبانی می‌کند. این مدل جمعی از فرآیندهای اداری و تکنوکراتیک در یک مدل انسان‌محور است که همه‌ی اقدامات را به سمت اتحاد مردم از طریق آزادی بیان برای تولید دانش، ماده خام واقعی برای پیشرفت و نوآوری هدایت می‌کند (لینکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). مدل دموکراسی شرکتی مسیری ساختاریافته برای حمایت از یک سازمان برای رسیدن به مدیریت و عملیات دموکراتیک ارائه می‌کند، اما در این مسیر هیچ چیز را نمی‌توان قابل پیش‌بینی و استاندارد در نظر گرفت. از آنجایی که هدف دموکراسی برای نوآوری، رقابت و برون‌گرایی است، مردم باید ابتدا همکاری کنند تا بتوانند همزیستی و تکامل پیدا کنند (مارکوپولوس و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۶۰۶).

### صنعت پتروشیمی ایران

صنعت پتروشیمی به عنوان مقام اول صادرات غیرنفتی کشور در جهت شکوفایی اقتصادی، توسعه پایدار، بومی کردن تکنولوژی، توسعه صنایع پایین‌دستی، ایجاد اشتغال و... نقش کلیدی و مهمی را بر عهده دارد. عمده‌ترین مزایای این صنعت در ایران، تنوع خوراک، دسترسی به آب‌های آزاد و نیروی انسانی جوان و متخصص است. صنعت پتروشیمی از جمله صنایعی است که نفت و گاز مهم‌ترین بخش آن محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه در حال حاضر ایران به عنوان دومین کشور تولیدکننده گاز و چهارمین کشور در زمینه تولید نفت خام در جهان می‌باشد، مستعد رشد و توسعه صنعت پتروشیمی است. لذا توسعه این صنعت از مقوله‌های مهم و استراتژیک کشور به شمار می‌رود (ورهرامی، درگاهی، بیرانوند، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲).

با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی همه‌ی شرکت‌های تولیدی صنعت پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار شدند و شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان یک سازمان توسعه‌ای از یک بنگاه اقتصادی به سوی یک سازمان متولی توسعه و تنظیم‌گر صنعت پتروشیمی تبدیل گردیده‌است. هدف بنیادی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، برنامه‌ریزی کلان، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، بسترسازی و پشتیبانی توسعه پایدار صنعت پتروشیمی برای ارتقاء کیفیت زندگی مردم می‌باشد. اما متأسفانه در ایران فقدان فضای رقابتی، عدم ثبات حقوقی و سیاسی، فقدان نهادهای واقعی جامعه مدنی، ساختارهای بازار مخدوش، موانع قانونی، عدم شفافیت و تمرکززدایی از موانع کلیدی در روند خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی هستند (صیامی نمینی، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸).

<sup>۱</sup> Linkner

### پیشینه پژوهش

جغتائی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی اثر آزادی اقتصادی و دموکراسی بر توسعه انسانی پرداختند. رسیدن به توسعه انسانی بالاتر مستلزم شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن است. از جمله عوامل مؤثر که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، آزادی اقتصادی و دموکراسی است. در این پژوهش اثر آزادی اقتصادی و دموکراسی بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو اوپک در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۲۰ با رویکرد داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای دموکراسی و آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارند. علاوه بر این متغیرهای جمعیت، اشتغال زنان، اشتغال در بخش صنعت، اثر مثبت و معنادار و متغیر شهرنشینی اثر منفی و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند. در سال‌های اخیر توسعه انسانی در بین کشورهای جهان از اهمیت بسیاری برخوردار شده است.

صادقی عمروآبادی (۱۴۰۰) به تحلیل اثرات دموکراسی و تجارت آزاد بر دریافتی عوامل تولید در ایران پرداختند. هدف اصلی این مطالعه تحلیل اثرات دموکراسی و تجارت بر نسبت دریافتی عوامل تولید در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۷ می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر متغیرهای سرمایه‌گذاری خارجی و درجه باز بودن تجاری به عنوان شاخص‌های تجارت، بر متغیر نسبت دستمزد به نرخ بهره به عنوان نسبت دریافتی عوامل تولید مثبت و معنادار و اثر متغیر دموکراسی بر متغیر نسبت دستمزد به نرخ بهره مثبت و معنادار است.

کازرونی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی اثر ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی پرداختند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) است. این مطالعه رگرسیون پانل را با استفاده از چارچوب روش تعمیم لحظه‌ها (GMM) در نمونه ای از ۳۴ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی برای دوره ۱۹۸۶-۲۰۱۴ برآورد کرد. در این تحقیق برای محاسبه شاخص ثبات سیاسی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) از شاخص ترکیبی تعارض داخلی، تعارض خارجی، نظامی در سیاست، تنش‌های قومی و مذهبی دین در سیاست استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ثبات سیاسی و دموکراسی نقش مثبت و معناداری در رشد اقتصادی دارند.

تقی‌زاده (۱۳۹۹) به بررسی تطبیقی تأثیر دموکراسی و فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای غرب و شرق آسیا پرداخت. هدف اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی تأثیر دموکراسی و فساد، بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای غرب و شرق آسیا برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۸ در قالب مدل پانل پویا و به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته می‌باشد. نتایج تخمین‌ها برای ۱۴ کشور گروه غرب آسیا حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای دموکراسی و درجه باز بودن تجارت با متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و وجود یک رابطه منفی و معنادار بین متغیر شاخص ادراک فساد

و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. علاوه بر این بر اساس نتایج بدست آمده در این گروه از کشورها تأثیر شاخص قیمت مصرف کننده بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منفی و بی‌معنا می‌باشد. همچنین طبق نتایج این روش برای ۱۴ کشور گروه شرق آسیا نیز متغیرهای شاخص ادراک فساد، دموکراسی و شاخص قیمت مصرف کننده دارای تأثیر منفی و معنادار و متغیر باز بودن تجارت دارای اثر مثبت و معنادار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند.

بشیریان (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر توسعه اقتصادی بر دموکراسی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی پرداخته است. نتایج حاصل از برآورد الگو با روش گشتاورهای تعمیم یافته نشان‌دهنده آن است که متغیرهای فوق‌الذکر بصورت منفرد اثر معناداری بر دموکراسی ندارند. اما در صورتی که توسعه اقتصادی با استفاده از یک شاخص ترکیبی وارد الگو شود، اثر مثبت و معنادار توسعه اقتصادی بر دموکراسی نمود پیدا می‌کند.

جعفری و همکاران (۱۳۹۸) به تحلیل تأثیر دموکراسی بر نرخ تورم پرداختند. نتایج بدست آمده از برآورد مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت نشان داد که دموکراسی تأثیر منفی و معنادار بر تورم در کشورهای منتخب منا دارد. همچنین تولید ناخالص داخلی حقیقی با ضریب منفی تأثیر معناداری بر تورم در این کشورها دارد. همچنین نتایج حاکی از تأثیر مستقیم و معنادار نقدینگی و اندازه دولت بر تورم می‌باشد.

فتوحی (۱۳۹۸) به بررسی موانع روند دموکراتیزاسیون در کشورهای آسیای مرکزی پرداختند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که موانع متعددی گذار به دموکراسی را در کشورهای مورد بررسی (ترکمنستان و تاجیکستان) با مشکل مواجه می‌سازد. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که از مهم‌ترین موانع گذار به دموکراسی می‌توان به ساختار سیاسی اقتدارگرایانه، وجود احزاب مصنوعی، وجود پارلمان‌های نمایشی فاقد قدرت، یکپارچگی قدرت نخبگان سیاسی، ضعف در دولت‌سازی، فساد شدید اقتصادی به همراه اقتصاد رانتی اشاره کرد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود به بررسی همگرایی دموکراسی در کشورهای در حال توسعه با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد مجاورت جغرافیایی کشورها اثر مثبت و معناداری بر دموکراسی دارد.

سیما و هوانگ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی اینکه آیا دموکراسی رژیم سیاسی بهتری برای رونق اقتصادی است تا خودکامگی؟ پرداختند. این پژوهش نشان می‌دهد که پاسخ به سطح اولیه توسعه اقتصادی در دوران گذار دموکراتیک که پایه نهادها گذاشته شد، بستگی دارد. دموکراسی رشد را تنها در کشورهایی تسهیل می‌کند که در زمان گذار از توسعه کافی برخوردارند. احتمال ایجاد و حفظ مؤسسات افزایش دهنده رشد در این کشورها بیشتر از سایرین است. بدون توسعه مناسب، دموکراسی رشد را بهبود نمی‌بخشد. این در مورد حدود ۴۰٪ از کشورهای دموکراتیک شده موج سوم صدق می‌کند. این نتایج بر اساس نمونه‌ای از ۱۵۳ کشور در سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۱۰ و با مشخصات مختلف و مسائل درون‌زایی قوی است.

کریگر (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان دموکراسی و کیفیت نهادهای اقتصادی به بررسی اینکه چگونه دموکراسی ممکن است کیفیت نهادهای اقتصادی را بهبود بخشد، پرداخته است. مدل این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که کیفیت نهادی در بین حکومت‌های استبدادی بیشتر از دموکراسی متفاوت است و تأثیر مثبت دموکراسی‌ها بر کیفیت نهادی اقتصادی در سرمایه انسانی مردم افزایش می‌یابد. با استفاده از مجموعه داده‌های تابلویی که ۱۵۰ کشور و دوره ۱۹۲۰-۲۰۱۹ را پوشش می‌دهد، و معیارهای مختلف کیفیت نهادی اقتصادی، نتایج حاصل از رگرسیون‌های متغیر ابزاری و اثر ثابت را نشان می‌دهیم که با پیش‌بینی‌های مدل ما مطابقت دارد.

فیتزروی (۲۰۲۱) مطالعه‌ای با عنوان ناکارآمدی اشتغال برای دموکراسی در محل کار انجام داده است. در این تحقیق اشاره شده است که بیشتر افراد مشغول به کار دارای انگیزه‌های ناهمسو، درک ناکارآمد و ناعادلانه‌ای از شرکت تجاری خود هستند. در نتیجه تمایل به ترک خدمت بیشتر می‌شود و این هزینه‌بر است. دموکراسی در محیط کار، ترکیبی از کارایی و عدالت است، انگیزه‌ها را هماهنگ می‌کند و حق طبیعی تعیین سرنوشت کارگران را به آن‌ها می‌دهد، اما به دلیل قدرت تاریخی صاحبان سرمایه، نسبتاً نادر است.

کنوتسن (۲۰۲۱) در پژوهش خود به بررسی رشد و نوسانات رشد در یک رژیم دموکراسی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد دموکراسی با کاهش نتایج بد اقتصادی و تضمین عملکرد پایدارتر، عموماً برای کارآفرینان ریسک‌گریز، سرمایه‌گذاران، کارگران و مصرف‌کنندگان به‌طور یکسان مفید است. سولیموسی (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان تجارت در دموکراسی ایالات متحده با شناسایی سه مفهوم اساسی فرد، جمع (جامعه) و دولت (سیستم و مکانیک)، یک مدل از تجارت در دموکراسی را مطرح ساخت. نتایج نشان داد که نگرش‌ها و سیاست‌های دولت تأثیر بیشتری در شکل‌گیری و موفقیت کسب و کار نسبت به دو مفهوم دیگر دارد.

ویسنر (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان تجارت آزاد در مقابل دموکراسی و استانداردهای اجتماعی در اتحادیه اروپا، یک مدل مفهومی برای تحلیل تنش‌های موجود و برطرف کردن آن‌ها ارائه نمود. چنگ و اوپانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر دموکراسی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رشد اقتصادی به تجربه تاریخی و سطح دموکراسی کشورها وابسته است. همچنین کشورهای دموکراتیک که تجربه طولانی‌مدت حکومت دموکراتیک دارند، رشد بالاتری را تجربه کردند.

سلوستر (۲۰۱۵) طی مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که در کشورهای جدید، دموکراسی تا حد زیادی با رشد اقتصادی همراه است و دموکراسی می‌تواند به کاهش چالش‌هایی که مانع رشد اقتصادی می‌شوند، کمک کند و از این طریق رشد اقتصادی را افزایش دهد.

### روش‌شناسی پژوهش

هدف از انتخاب روش تحقیق این است که مشخص گردد برای بررسی موضوعی خاص چه روش تحقیقی لازم است و محقق چه شیوه‌ای را اتخاذ کند تا هرچه سریع‌تر و دقیق‌تر به پاسخ پرسش یا پرسش‌های مورد نظر دست یابد. این پژوهش از حیث هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد، زیرا به دنبال طراحی الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی ایران است و از نظر نحوه تحلیل داده‌ها این پژوهش از نوع کیفی است. استراتژی این پژوهش داده‌بنیاد می‌باشد. در این پژوهش داده‌ها از طریق مصاحبه و مطالعه متون و اسناد موجود گردآوری شدند. همچنین رویکرد این پژوهش از شیوه سیستماتیک که به استراوس و کوربین نسبت داده می‌شود، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده‌است. این روش دارای سه رویه اصلی است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در خصوص چرایی انتخاب رویکرد استراوس و کوربین در قیاس با رویکرد گلیزر و چارمرز در این پژوهش، با توجه به اینکه ادبیات موضوعی و پیشینه تجربی کافی در مورد موضوع پژوهش وجود ندارد، لذا رویکرد استراوس و کوربین انتخاب شد تا نیاز به رفت و بازگشت پژوهشگر به ادبیات و پیشینه نظری نباشد.

دلیل استفاده از روش داده‌بنیاد در این پژوهش به این خاطر بوده که اطلاعات کافی برای پدیده محوری موجود نبوده و برای کسب اطلاعات بیشتر و ارائه الگوی آن، از روش داده‌بنیاد که یکی از روش‌های اکتشافی (جز به کل) است، استفاده شده‌است. چرا که روش داده‌بنیاد برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این روش زمانی استفاده می‌شود که ادبیات پژوهش پیرامون موضوع از غنای لازم برخوردار نباشد. همچنین هدف، ارائه یک نظریه جدید است که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده‌است. در روش داده‌بنیاد بجای استفاده از داده‌ها برای آزمون نظریه، از داده‌ها برای ایجاد نظریه استفاده می‌شود. لذا در این پژوهش چون برای پدیده محوری (دموکراسی تجاری)، الگو یا نظریه‌ای موجود نبود و همچنین اینکه مقالات اندکی (ادبیات پژوهش کافی نبود و کم بود) در این حوزه کار شده بود و یک مفهوم جدیدی بود که لازم بود برایش الگویی ارائه (ایجاد) شود تا ابعاد و عوامل آن کشف و شناسایی شوند، از روش داده‌بنیاد استفاده شده‌است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل متخصصان مدیریت بازرگانی، اساتید دارای کتب و پژوهش در حوزه سیاست‌گذاری تجاری همچنین خبرگان حوزه علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی و افراد رده‌بالای سازمان‌های تجاری می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی یا قضاوتی) می‌باشد و بر پایه انتخاب موارد نمونه توسط پژوهشگر با توجه به قضاوت شخصی و اهداف مطالعه و ماهیت پژوهش استوار است و با استفاده از تکنیک گلوله‌برفی تا حد رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری انجام گرفته است.



جدول ۱. مشخصات مصاحبه شونده‌گان

ردیف	کد مصاحبه شونده	سطح تحصیلات	مسئولیت
۱	J	کارشناسی ارشد	مدیر
۲	S	دکتری	مدرس دانشگاه
۳	M	کارشناسی ارشد	مدیر
۴	A	دکتری	مدرس دانشگاه
۵	AG	دکتری	مدیر
۶	T	کارشناسی ارشد	مدیر
۷	B	دکتری	مدرس دانشگاه
۸	S	دکتری	مدرس دانشگاه
۹	H	کارشناسی ارشد	مدیر
۱۰	K	کارشناسی ارشد	مدیر
۱۱	V	دکتری	مدیر
۱۲	N	کارشناسی ارشد	مدیر

### روایی پژوهش

برای ارزیابی روایی در مدل‌های حداقل مربعات جزئی باید متوسط واریانس استخراج شده (AVE) را مورد محاسبه قرار داد. از متوسط واریانس استخراج شده برای محاسبه روایی سازه استفاده شده است. مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده روایی همگرایی مناسب سازه‌ها است.

جدول ۲. روایی سازه: میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده
-	بزرگ‌تر از 0.5
دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی	0.580
مدیریت موانع در زمان مناسب	0.701
ارائه استراتژی‌های اساسی	0.738
ارزیابی و اقتصادسنجی دموکراتیک	0.823
استفاده از ابزارهای بازاریابی و جذب سرمایه در راستای ایده‌های دموکراسی	0.716
افزایش خروجی‌های مطلوب	0.734
افزایش مداوم نرخ رشد	0.690
اولویت‌دهی ارزش اقتصادی در حاکمیت	0.692
بهره‌گیری از تاثیر اقتصاد بر حکمرانی	0.819
تاکید بر همگرایی دموکراسی	0.777

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده
تدوین مدل و ساختار دموکراتیک	0.873
ترغیب و ترویج تجارت خارجی	0.638
تسریع روند دموکراسیزاسیون	0.698
تشویق همه جانبه رقابت	0.774
تعیین اهداف دموکراتیک	0.794
تغییر نظام لیبرال بازار	0.744
تقویت توانمندی اجرایی در رویه‌های دموکراتیک	0.673
توسعه دانش و نوآوری در همه بخش‌ها	0.916
جامعیت اثرگذاری اجرای دموکراسی	0.661
رشد و توانمندسازی تکنولوژیکی و اقتصادی	0.678
رعایت اخلاق و عدالت سیاسی	0.811
سیاست‌گذاری بهینه بر اساس اصول دموکراتیک	0.783
عوامل علی	0.554
عوامل میانجی/مداخله گر	0.661
قابلیت و مقبولیت حاکمیت	0.639
مردم‌گرایی	0.664
مسئولیت‌پذیری حکام	0.650
مشارکت و تسهیل حاکمیت دموکراتیک	0.819
مقوله راهبردی	0.557
مقوله محیطی/بستر ساز	0.537
مقوله پیامدی	0.684
همگام‌سازی اهداف فردی و سازمانی	0.789
پاسخگویی و شفافیت	0.763
کاهش بحران دموکراسی	0.841
میانگین	0.719

### پایایی پژوهش

برای سنجش این نوع پایایی از ضریب شاخص اشتراکی استفاده می‌شود که سهم تبیین واریانس هر یک از شاخص‌های انعکاسی را نسبت به متغیرهای متناظرش می‌بیند. بر طبق نظر هیر و همکارانش مقدار این شاخص باید بیشتر از ۰/۵ باشد.

جدول ۳. پایایی اشتراکی سازه‌ها

پایایی اشتراکی	متغیر
0.5	بزرگ‌تر از 0.5
0.580	دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی
0.701	مدیریت موانع در زمان مناسب
0.738	ارائه استراتژی‌های اساسی
0.823	ارزیابی و اقتصادسنجی دموکراتیک
0.716	استفاده از ابزارهای بازاریابی و جذب سرمایه در راستای ایده‌های دموکراسی
0.734	افزایش خروجی‌های مطلوب
0.690	افزایش مداوم نرخ رشد
0.692	اولویت‌دهی ارزش اقتصادی در حاکمیت
0.819	بهره‌گیری از تاثیر اقتصاد بر حکمرانی
0.777	تاکید بر همگرایی دموکراسی
0.873	تدوین مدل و ساختار دموکراتیک
0.638	ترغیب و ترویج تجارت خارجی
0.698	تسریع روند دموکراسیزاسیون
0.774	تشویق همه‌جانبه رقابت
0.794	تعیین اهداف دموکراتیک
0.744	تغییر نظام لیبرال بازار
0.673	تقویت توانمندی اجرایی در رویه‌های دموکراتیک
0.916	توسعه دانش و نوآوری در همه بخش‌ها
0.661	جامعیت اثرگذاری اجرای دموکراسی
0.678	رشد و توانمندسازی تکنولوژیکی و اقتصادی
0.811	رعایت اخلاق و عدالت سیاسی
0.783	سیاست‌گذاری بهینه بر اساس اصول دموکراتیک
0.554	عوامل علی
0.661	عوامل میانجی/مداخله گر
0.639	قابلیت و مقبولیت حاکمیت
0.664	مردم‌گرایی
0.650	مسئولیت‌پذیری حکام
0.819	مشارکت و تسهیل حاکمیت دموکراتیک
0.557	مقوله راهبردی
0.537	مقوله محیطی/بسترساز
0.684	مقوله پیامدی
0.789	همگام‌سازی اهداف فردی و سازمانی
0.763	پاسخگویی و شفافیت
0.841	کاهش بحران دموکراسی

## تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

همانطور که گفته شد استراتژی پژوهش حاضر، داده بنیاد می‌باشد. در فرایند تحلیل نظریه، داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدبندی می‌شوند. کدبندی اطلاعات شامل سه مرحله است: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری و ۳. کدگذاری انتخابی.

### کدگذاری اولیه

در مرحله اول متن مصاحبه‌ها و اسناد به دقت مورد بررسی قرار گرفت و برای هر یک از مصاحبه‌ها و اسناد جدولی ترسیم شد که در آن تکه‌هایی از متن مصاحبه که مرتبط با مفهوم دموکراسی تجاری بود در سمت چپ جدول و کد تخصیص داده شده به آن در سمت راست جدول نوشته شده‌است. تحلیل داده‌ها و تعیین گروه‌های گوناگون اولین کاری بود که به منظور انجام روش داده‌بنیاد انجام شد. منابع داده‌ای که در این پژوهش استفاده شدند عبارتند از جلسات کمیته‌های تخصصی، گزارش‌های دریافتی از اسناد بالادستی، مطالعه تطبیقی بین‌المللی، مصاحبه، حضور و مشاهدات و یادداشت‌های شخصی.

بعد از اینکه داده‌ها و اطلاعات به دست آمدند، پژوهشگر کدگذاری باز داده‌های متنی موردنظر را انجام داد. در این مرحله با مطالعه متن مورد نظر و تأمل و تفکر بر روی آن، برجسب‌ها و مفاهیم اولیه از متن‌ها استخراج شد. به منظور تعیین پایایی کدهای استخراجی، از روش پایایی بین دو کدگذار یا توافق درون موضوعی دو کدگذار استفاده شده‌است. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هریک از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص، دوبار کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها باهم مقایسه شدند. در این پژوهش برای محاسبه پایایی بازآزمون (کدگذاری مجدد) از بین مصاحبه‌های انجام شده، تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شد و هر کدام از آن‌ها دوبار در یک فاصله زمانی ده روزه کدگذاری شدند.

### مقوله‌بندی کدها

همانگونه که بیان شد پس از استخراج مضامین، در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مضمونی واحد قرار می‌گیرند. بنابراین انبوه داده‌ها (کدها-مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابند. در جدول ۴ تلاش شده‌است تا مفاهیم مشابه و مشترک با مقوله واحد جایگزین شود و مقوله‌های اصلی پژوهش مشخص شوند.

جدول ۴. مقوله‌ها و مفاهیم تشکیل‌دهنده هر یک از مقوله‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم تشکیل‌دهنده هر مقوله
تعیین اهداف دموکراتیک	آرمان‌های جوامع سیاسی/اهدافی جهانی/نزدیکی سیستم حکومتی به مردم و احترام به حقوق/عنوان اهدافی جهانی/ارزش‌گذاری در اداره دولت‌های ملی/ترویج خود دموکراسی/هدف‌گذاری داخلی/واکنش به هدف‌گذاری داخلی/حاکمیت دموکراسی در اداره دولت‌های ملی ارزش-گذاری می‌شود/
بهره‌گیری از تأثیر اقتصاد بر حکمرانی	ارتباط بین دموکراسی و متغیرهای کلان اقتصادی/تأثیر عوامل اقتصادی بر دموکراسی/متغیر تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی/مدل‌های اقتصادسنجی/عوامل اقتصادی/تأثیر توسعه اقتصادی بر دموکراسی/تسریع دموکراسی/رویکرد اقتصاد سیاسی/ماهیت سیاست خارجی/محرك اصلی رشد اقتصادی بلندمدت/توسعه اقتصادی زمینه‌ساز دموکراسی/توسعه اقتصادی به نفع دموکراسی/تأثیر دموکراسی بر اقتصاد/روابط بین دموکراسی و بحران‌های اقتصادی/دموکراسی با رشد اقتصادی/به تجربه تاریخی و سطح دموکراسی کشورها وابسته است/
تسریع روند دموکراسیزاسیون	جامعه دموکراتیک/نظام‌های دموکراتیک/سطح دموکراسی/آرایش اجتماعی-اقتصادی/برقراری آزادی‌های مدنی و سیاسی/ساختار سیاسی اقتدارگرایانه/تعیین‌کننده اصلی میزان موفقیت و شکوفایی بازار آزاد/فلسفه اجتماعی-اقتصادی/ساختار حاکمیت می‌تواند مؤثرتر از ساختارهای ذاتی و بومی باشد/آرایش اجتماعی-اقتصادی/نهادهای اقتصادی/قدرتمندترین کلمات/حوزه‌ی سیاست/حاکمیت شرکتی/شیوه تصمیم‌گیری در مورد قوانین و سیاست‌ها/حاکمیت سیاسی در سطح فرد/در سطح افراد در داخل یک جامعه سیاسی/دموکراتیزاسیون/دموکراسی نخبه‌گرا/سرکوب‌گسترش حقوق اساسی مدنی و سیاسی/آزادی‌های سیاسی و مدنی/حاکمیت شرکتی با کیفیت بهتر/دموکراسی مدرن/عدم وجود محدودیت/با حاکمیت و قدرت سیاسی مرتبط/محیط دموکراتیک/که رویه‌های دموکراتیک را در مکانیسم‌های حاکمیتی/اصل کلیدی در اداره دولت‌های ملی ارزش‌گذاری می‌شود/رویه‌های دموکراتیک را در مکانیسم‌های حاکمیتی/ویژگی‌های حکمرانی دموکراسی/
کاهش بحران دموکراسی	تضعیف دموکراسی/هرج و مرج و سفاقت/عملکردهای ناموفق دموکراسی/اجتناب از بدترین نتایج اقتصادی/انحصاری بر روی سیاست‌های داخلی ناسازگار/ماهیت غیرامیدبخش/
اولویت‌دهی ارزش اقتصادی در حاکمیت	تمرکز ثروت شرط اولیه وجود دموکراسی/عوامل اقتصادی مؤثر بر سطح دموکراسی/بازیگران سیاسی/مفاهیم اقتصادی و مقوله‌ای محوری/ارزش اقتصادی در داخل شرکت/نظام‌های سرمایه‌داری دموکراتیک/دموکراسی پایدار مستلزم توسعه اقتصادی و اجتماعی/
مدیریت موانع در زمان مناسب	کنترل شوک‌های خارجی منفی/ناآرامی‌های سیاسی/توزیع درآمد/بحران‌های سیاسی/توزیع دارایی‌ها نامتوازن/حیات‌بنگاه اقتصادی در بلندمدت/محدود کردن دیکتاتورهای زردسالار/اسبب موفقیت اقتصادی/داده‌های مغرضانه ای را گزارش می‌کنند/اجتناب از بحران‌های اقتصادی/تحریقات اقتصادی/توسط دموکراسی سیاسی محدود شده است/نهادهای سیاسی در حال توسعه ضعیف و شکننده/دموکراسی مانع رشد اقتصادی می‌شود، توزیع ناعادلانه/مخدوش کردن پیوند مستقیم بین دموکراسی و توسعه/شکاف اجتماعی/ناهمسانی فضایی/انحراف در روابط بین مشاهده‌ها/تخصیص نادرست منابع را افزایش می‌دهند./فدراسیون‌های نامتمرکز/کاهش چالش‌هایی که مانع رشد اقتصادی/دموکراسی تأثیر منفی بر حاکمیت/به کاهش چالش‌هایی که مانع رشد اقتصادی می‌شوند/عدم توجه سیاستمداران به مسأله دموکراسی/
افزایش خروجی‌های مطلوب	پیامدهای توزیعی و عادلانه/کشمکش‌های سیاسی و افزایش دموکراسی/دغدغه‌های سهامداران/منافع توسعه اقتصادی/تعدیل سهام/ارزش مشترک تولید شده/توزیع مزاد درآمد ملی/ایجاد ارزش برای جامعه/تأمین حقوق و آزادی‌های فردی/تولید ناخالص داخلی/محافظت از حقوق

مفاهیم تشکیل دهنده هر مقوله	مقوله ها
<p>مالکیت فردی/ ارتقای کالاهای عمومی/ ثروت ملی و توانایی نظامی بیشتری/ ارتقا تحرک اجتماعی- اقتصادی/ برآوردن نیازهای اجتماعی/ پیامدهای مفید توسعه فرد، سازمان/ رسیدن به مدیریت و عملیات دموکراتیک/ کسب بازدهی های اضافی/ کاهش نتایج بد اقتصادی و تضمین عملکرد پایدارتر/ سبب رشد و توانمندسازی تکنولوژیک و اقتصادی شرکت/ کاهش قابل توجه (افزایش) نابرابری درآمد در حکومت های مستبدانه/ تأثیر مثبتی بر حاکمیت شرکتی/ ایجاد حکومت دموکراتیک بصورت موفقیت آمیز/</p>	
<p>انگیزه های رقابت/ ساختار دموکراسی مدار یا ساختار حاکمیتی/ ورود به میدان رقابت و تلاش در جهت چیرگی بر رقیبان/ ساختار رقابتی بازارها تاثیر بسزایی بر بازده شرکت ها/ دموکراسی بدون رقابت/ ساختار رقابتی/ بازار رقابتی/ دغدغه های رقیب/ هدف دموکراسی برای نوآوری، رقابت و برون گرایی است/ در شرایط رقابت ناقص/ رقابت جدی خارجی یا رقابت بالقوه/</p>	<p>تشویق همه جانبه رقابت</p>
<p>اقدام های غیر کارآمد/ قانون حاکمیت شرکتی مناسب و کارآمد/ نرخ رشد مطمئن تری در بلندمدت/ بی ثباتی سیاسی/ حداکثر رساندن نرخ رشد در اقتصاد در حال توسعه/ اطمینان بازگشت سرمایه شان به خود/ محافظت از منافع صاحبان شرکت/ روحیه دموکراتیکی در جامعه تأثیر گذارتر/ برای رسیدن به کارایی و اثربخشی بالای شرکت ها/ ثبات سیاسی و اقتصادی را ایجاد کند/</p>	<p>افزایش مداوم نرخ رشد</p>
<p>چارچوب اصول حاکمیت شرکتی/ میانی حاکمیت شرکتی/ الگوی حاکمیت شرکتی/ گذار اولیه، مراحل میانی و تثبیت را دربر دارد/ حاکمیت شرکتی/ مدل ترکیبی حاکمیت شرکتی/ ویژگی های لازم حاکمیت/ الگوی ترکیبی ترکیب کننده/ ساختار سیاسی/ چارچوب های محافظ و قابل اجرا/ ساختار نظام اقتصاد سیاسی/ یک ایدئولوژی/ مفهوم دموکراسی تجاری و دموکراسی شرکتی/ چارچوب های محافظ و قابل اجرا/ مجموعه ای از هنجارها و ارزش ها/ رشد اقتصادی توسط سازماندهی دموکراتیک سیاست/ بر ساختارهای نهادی موجود و استراتژی های دولتی/ قدرت سازمانی به فرد مربوط می شود، نه به سرمایه/ ابزاری برای حفظ وضعیت موجود و ساختارهای قدرت/ آزادی سیاسی یکی از مهم ترین/ انتخاب حاکمان و مقامات سیاسی/ دادن فضا به افراد/ فرآیندهای اداری و تکنوکراتیک/ مسیری ساختاریافته برای حمایت از یک سازمان/ ساختار بازار الیگوپولی/ مجموعه ای از قوانین و ساختارهای سازمانی است/ قالب کمیته های هیئت مدیره/ قوانین و ساختارهای سازمانی/ ساختار و مفهوم یک سیستم زنده/ فرآیند بلندمدت، عمیق و تدریجی/</p>	<p>تدوین مدل و ساختار دموکراتیک</p>
<p>شکوفای شدن تجارت در دموکراسی/ بازآفرینی اقتصاد/ توانمندسازی عملکرد صنعت پتروشیمی/ آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی/ گسترش و رشد شاخص های مختلف دموکراسی/ رشد و توسعه اقتصادی/ رشد و بهره وری تجاری/ توزیع درآمد بهتر/ رشد اقتصادی و دموکراسی/ رشد اقتصادی/ دستیابی به موفقیت اقتصادی/ ابزاری برای توسعه دموکراسی/ موفقیت، رشد و توسعه سازمان ها/ توسعه پیچیده یک جامعه دموکراتیک/ یک رابطه قوی و مثبت بین دموکراسی و رشد/ رونق و رشد در کشورهای منزوی/ تضمین توسعه اقتصادی بلندمدت/ توسعه اقتصادی پایدار/ توسعه بلندمدت و حداکثر اقتصادی/ محیط های مناسب بازار برای رشد اقتصادی پایدار/ گسترش بازارها و ترویج توسعه اقتصادی/ رشد پایدار، متعادل و عادلانه در بلندمدت/ توسعه اقتصادی/ تمایلات بازتوزیعی دموکراسی ها/ پیشرفت های تکنولوژیکی/ ابزاری برای توسعه دموکراسی تجاری/ عدم پیشرفت و توسعه/ تأثیرات مثبتی بر توسعه و رشد اقتصاد/ اعطای سوبسید/ دموکراسی سبب رشد و توسعه ای شرکت ها/</p>	<p>رشد و توانمندسازی تکنولوژیک و اقتصادی</p>
<p>قدرت پیاده سازی دموکراسی/ کنترل قدرت در بخش عمومی/ ارتقای سرمایه ارتباطات اجتماعی/ تغییر قدرت تصمیم گیری/ موفقیت قانونی/ طیف وسیع تری از مؤلفه ها/ اجرای مؤثر انواع دموکراتیک</p>	<p>تقویت توانمندی اجرایی در رویه های دموکراتیک</p>

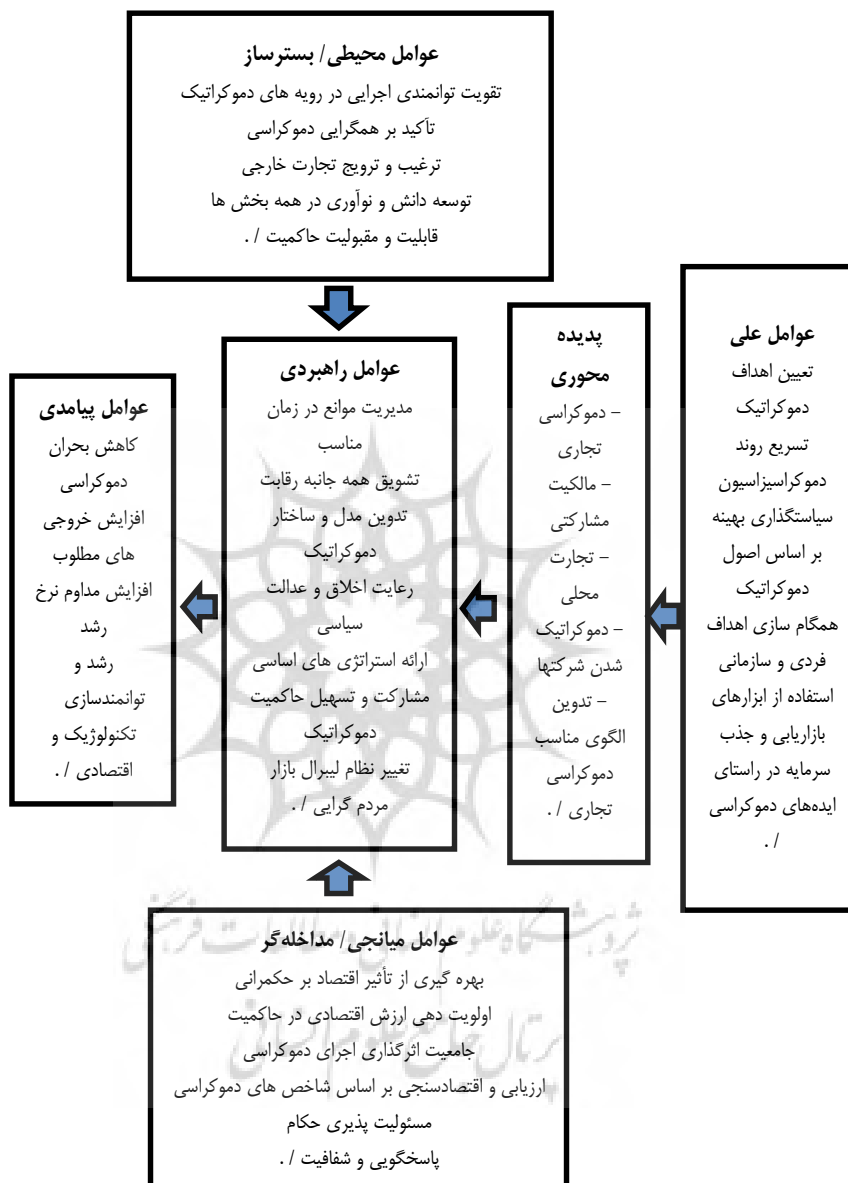
مقوله ها	مفاهیم تشکیل دهنده هر مقوله
	سیاست‌ها/ حاکمیت قانون قوی تر و سطح دموکراسی بالاتر باشد/ میزان اجرای رویه‌های دموکراتیک/ اجرای رویه‌های دموکراتیک/ مکانیسم‌های حاکمیتی مربوطه خود اتخاذ و اجرا/
تأکید بر همگرایی دموکراسی	تأثیرپذیری فضایی دموکراتیک/ تأثیر پذیری دموکراتیک/ تأثیر فضایی بر دموکراسی/ می تواند منجر به ارتقا سطح دموکراسی/ مجاورت جغرافیایی/ ارتقاء سطح دموکراسی/ نزدیکی های جغرافیایی/ رژیم‌هایی با سطوح مشابه از دموکراسی بسیار ناهمگون/ اثرات وابستگی فضایی/ منجر به ارتقا سطح دموکراسی کشور دیگر/ تأثیر فضایی بر دموکراسی کشورها/ همگرایی دموکراسی/ منعکس کننده محیط دموکراتیک بیرونی است/ محیط دموکراتیک بیرونی است/ میزان دموکراسی سطح بیرون از سازمان/ حاکمیت شرکتی منعکس کننده محیط دموکراتیک بیرونی/
رعایت اخلاق و عدالت سیاسی	رفتار سیاستمداران و احزاب سیاسی/ کنترل رفتار سیاستمداران و احزاب سیاسی/ برابری سیاسی بین شهروندان/ گفت‌وگو اخلاقی-اجرایی/ این رویه‌ها بر عدالت و انصاف استوار هستند./
سیاست‌گذاری بهینه بر اساس اصول دموکراتیک	سیاست های نامتعادل و نادرست/ اتخاذ سیاست های نادرست/ اتخاذ تصمیمات کلیدی اقتصادی/ همچون مکان یابی طرح ها، قیمت گذاری/ ابتکارات سیاسی/ رویه‌های تصمیم‌گیری منصفانه/ قوانین تصمیم‌گیری دموکراتیک/ قواعد تصمیم‌گیری دموکراتیک/ تصمیم‌گیری سیاست به شیوه‌ای مطلوب/ مداخله‌گزینشی دولت/ توجه به بازارهای ثابت و متقابل/ قوانین و فرآیندهایی که از طریق آنها تصمیم‌گیری می‌شود/ تقویت حکومت‌داری دموکراتیک/
همگام‌سازی اهداف فردی و سازمانی	تعدیل و تصحیح نظام مند/ تعدیل و تصحیح نظام مند سیاست های دولت/ تعامل نیروی اجتماعی و اهداف حاکمیت سیاسی/ همسویی قوی و پایدار بین رفتار فردی و اهداف سازمان ایجاد کند/ شرکت‌های دارای نفوذ سیاسی/ انگیزه های ناهمسو، درک ناکارآمد/
جامعیت اثرگذاری اجرای دموکراسی	نقش تعدیل‌گری حکمرانی خوب بین دموکراسی و عملکرد زیست محیطی/ تأثیرپذیری سیاسی/ سبب تغییر رژیم از دیکتاتوری به دموکراسی/ حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی/ گسترش و توسعه‌ی نهادهای سیاسی/ سبب افزایش سطح دموکراسی/ اثرات سودمندی هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی/ دموکراسی مقاومت‌ناپذیر و پیشرفت/ ارضای یک ضرورت مشترک اجتماعی-اقتصادی/ تحت تأثیر محیط دموکراسی خارجی/ تأثیر مثبتی/ ترکیبی از کارایی و عدالت است، انگیزه‌ها را هماهنگ می‌کند/ مالکیت دولت بر کیفیت/ روحیه دموکراتیکی در جامعه تأثیرگذارتر و عمیق‌تر است/ هدایت به سوی دموکراتیزه شدن/ اجرای دموکراسی تجاری و تاثیرات مثبت/ حکمرانی خوب و عملکرد زیست محیطی/ شاخص عملکرد زیست محیطی/
ترغیب و ترویج تجارت خارجی	به دلیل وجود تجارت گسترده/ نقش کلیدی در ترغیب فعالیت‌های تجارت خارجی بنگاه‌های داخلی/ تجارت خارجی اثر مثبت و معنی‌داری بر دموکراسی/ مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی تجارت و رشد اقتصادی/ القای ابزارهای حمایت‌گرا و رفع موانع تجاری/ توسعه بازارهای خارجی/ تجارت بین کشورها/ در ترغیب فعالیت‌های تجارت/ اعطای سوبسید به صادرات/ عملکرد تجاری کشورهای پیشرفته صنعتی/ صادر کردن کالاهای اساسی/ جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی/ نیاز به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و جذب/ جذب سرمایه‌گذار خارجی/
ارائه استراتژی‌های اساسی	با شناسایی نیازها، انگیزه، موانع، بسترها و زمینه‌های دموکراسی تجاری/ تدوین یک تئوری در مورد یک پدیده بصورت استقرایی، تصمیمات استراتژیک/ تدوین و اجرای برنامه‌ای هدفمند/ طراحی نهادهایی که مدیریت را به درونی کردن رفاه/ مسیر ساختاریافته/ استراتژی بین‌المللی/ استراتژی انطباق/ بر استراتژی بازاریابی و تولید شرکت‌های تابعه، مهم‌ترین و بحرانی‌ترین تصمیمات استراتژیک/ استراتژی ورود به بازار، یک تصمیم سازمانی/ رویه‌های دموکراتیک/ فرآیندهایی که از طریق آن شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند/ خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی/
ارزیابی و اقتصادسنجی بر	میزان سهام شناور آزاد/ شناسایی عوامل کلیدی دموکراسی تجاری/ رهیافت اقتصادسنجی/ سنجش میزان رشد شاخص‌های دموکراسی/ مدل‌های اقتصادسنجی/ اقتصادسنجی فضایی/ نظارت

مقوله ها	مفاهیم تشکیل دهنده هر مقوله
اساس شاخص‌های دموکراسی	بر فعالیت‌های شرکتی/ چارچوب ارزشی مشترک/ کنترل و ارتقای منافع خود/ کنترل بیشتر کارگران/ حفظ سطح بالایی از ادغام اقتصادی و توسعه/ فرآیندهایی که از طریق آن شرکت‌ها هدایت و کنترل/
توسعه دانش و نوآوری در همه بخش‌ها	عدم وجود دانش فنی/ بینش‌ها، ایده‌ها، ابتکارات و نوآوری‌ها/ نیازمند خودآگاهی موقعیتی/ اطلاعات و داده‌های چند وجهی/ اهمیت برابری، تفکر مستقل/ ایده‌ها به شایسته‌سالاری/ مهارت‌هایی برای بحث، درک، همدلی/ فرهنگ شرکت دموکراتیک/ تجربه طولانی مدت حکومت دموکراتیک/
استفاده از ابزارهای بازاریابی و جذب سرمایه در راستای ایده‌های دموکراسی	گستره باز توزیع درآمد و ثروت و نابرابری درآمدها/ طراحی مدل دموکراسی تجاری/ بصورت اکتشافی/ مؤلفه پاسخگویی دموکراتیک و شاخص آزادی سیاسی/ ایده‌های سیاسی/ سطح کلان حکمرانی جهانی متمرکز است/ روش بازاریابی انطباقی/ تحقیق و توسعه استراتژیک/ تأثیر فرهنگ و حاکمیت شرکتی/ تأثیر دموکراسی و فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم/
مسئولیت‌پذیری حکام	میزان مسئولیت‌پذیری حکام و امکان مشارکت و رقابت در زندگی سیاسی/ میزان مسئولیت‌پذیری حکام/ مسئولیت‌پذیری حکام و رقابت/ یک سیاست لیبرال دموکراتیک/ ارتباط نزدیکی با مسئولیت اجتماعی شرکت/ باید کارکنان متعهد، وفادار و هدفمند/ مسئولیت اجتماعی شرکت را تعدیل می‌کند/
پاسخگویی و شفافیت	پاسخگویی حکومت در برابر مردم/ شفافیت اطلاعاتی/ مفهوم کلیدی در علوم سیاسی/
مشارکت و تسهیل حاکمیت دموکراتیک	باید تسهیل‌کننده مشارکت/ که افراد و گروه‌ها مشارکت بیشتری در صحنه‌های سیاسی داشته باشند/ میزان حمایت قانونی از سرمایه‌گذار است/ اعطای قدرت یا اختیار/ حمایت حاکمیت از این نهاد/ عنوان ابزاری خلاقانه برای تأمین نیازهای اجتماعی/ روابط قدرت بین افراد درون سازمان و معاملات با سایر سازمان‌ها/ شرکت در حکومت و حکمرانی/ برای تکامل، بلوغ و مشارکت/ زیرا آزادی رفتار و احساس هدف مشترک را تجربه می‌کنند/ همزیستی و تکامل/ به اشتراک گذاشتن و یکپارچگی منابع/ نهادهایی فضاهای جدیدی را برای مشارکت سیاسی/
قابلیت و مقبولیت حاکمیت	پایداری و مشروعیت سیستم/ حفاظت از منافع مشروع/ حفاظت از منافع سهامداران در مقابل مدیریت شرکت‌ها/ ظرفیت تصمیم‌گیری دموکراتیک/ اساس فرهنگ شرکت دموکراتیک/ مستلزم ریسک‌پذیری و رفتار ابتکاری است/ که دارای صلاحیت غیرمستقیم/
تغییر نظام لیبرال بازار	برای حفظ حاکمیت در شرکت/ اصلاحات بازار لیبرال/ کاهش تعهد ایدئولوژی‌های قدیمی/ نظام راهبری شرکت‌های تجاری یا حاکمیت شرکتی/ بهبود حاکمیت شرکتی/ تغییرات ناشی از عواملی همچون نوآوری در فناوری/ مالکیت مشارکتی همه شرکت‌کنندگان/ گسترش اصول دموکراتیک/ روش ماریجی تکامل سازمانی/ از طریق تغییرات دموکراتیک/ انطباق با شرایط محلی/ بهبود حاکمیت شرکتی/ انعقاد قراردادهای ارائه خدمات یا مدیریت،/
مردم‌گرایی	مردم دارای حق حاکمیت و تمام قدرت برای تقویت قانون هستند/ ایمان داشتن به مردم/ رضایت افراد درون آن جامعه/ مهمترین اصل دموکراسی حاکمیت مردم/ مردم نظام سیاسی را شکل دادند/ انتقاد آزادانه از سیاست‌های دولت/
دموکراسی تجاری	مدل دموکراسی تجاری/ مالکیت مشارکتی تجارت محلی/ دموکراسی تجاری/ تدوین الگوی مناسب دموکراسی تجاری/ دموکراتیک شدن شرکت‌ها/



### کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، پژوهشگر یک مقوله از مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد (به‌عنوان پدیده مرکزی) و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها. مقوله اصلی این پژوهش دموکراسی تجاری است که به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شده‌است. مفاهیم مربوط به این مقوله عبارتند از مدل دموکراسی تجاری، مالکیت مشارکتی تجارت محلی، دموکراسی تجاری، تدوین الگوی مناسب دموکراسی تجاری و دموکراتیک شدن شرکت‌ها. مدیریت موانع در زمان مناسب، رعایت اخلاق و عدالت سیاسی، تشویق همه‌جانبه رقابت، تدوین مدل و ساختار دموکراتیک، ارائه استراتژی‌های اساسی، مشارکت و تسهیل حاکمیت دموکراتیک، تغییر نظام لیبرال بازار و مردم‌گرایی هشت مقوله اصلی این پژوهش است که به‌عنوان مقوله‌های راهبردی و اصلی در طراحی و توسعه یک الگوی دموکراسی تجاری انتخاب شدند. پاسخگویی و شفافیت، مسئولیت‌پذیری حکام، ارزیابی و اقتصادسنجی بر اساس شاخص‌های دموکراسی، جامعیت اثرگذاری اجرای دموکراسی، اولویت‌دهی ارزش اقتصادی در حاکمیت و بهره‌گیری از تأثیر اقتصاد بر حکمران، شش مقوله‌ای هستند که به‌عنوان تعدیلگر بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. قابلیت و مقبولیت حاکمیت، توسعه دانش و نوآوری در همه بخش‌ها، ترغیب و ترویج تجارت خارجی، تأکید بر همگرایی دموکراسی و تقویت توانمندی اجرایی در رویه‌های دموکراتیک به‌عنوان مقوله‌های زمینه‌ای، طراحی الگوی دموکراسی تجاری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. در این پژوهش مقوله‌های کاهش بحران دموکراسی (تجاری)، افزایش خروجی‌های مطلوب، افزایش مداوم نرخ رشد و رشد و توانمندسازی تکنولوژیک و اقتصادی از پیامدهای بکارگیری راهبردهای مناسب توسعه و اجرای الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی است. الگوی دموکراسی تجاری شرکت‌های پتروشیمی ایران در شکل ۱ نشان داده شده‌است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (منبع: نگارنده)

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به احصا و تحلیل پاسخ مصاحبه‌شوندگان، ۴۱۸ کد شناسایی شد که طی بررسی و تحلیل‌های بیشتر، ۴۰۱ مفهوم و ۲۸ مقوله شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند.

صادرات به عنوان موتور محرکه و رمز بقای کشورها در بازارهای جهانی نقش مهمی را در عرصه اقتصاد ایفا می‌کند، زیرا تقویت ظرفیت‌های تولید و ایجاد ظرفیت‌های جدید ضمن هموار کردن راه توسعه صادرات، نقش دولت را به عنوان تضمین‌کننده سرمایه‌گذاری‌های موجود و کاهش انحصار پررنگ‌تر می‌کند. از سویی دیگر صادرات امکان استفاده از بازارهای جهانی را برای رشد تولید داخلی مهیا کرده و بنگاه‌های تولیدی را قادر به انجام آن می‌سازد. این پژوهش به دنبال طراحی الگوی دموکراسی تجاری با استفاده از روش پژوهش کیفی بر مبنای داده‌بنیاد است. طبق نتایج این پژوهش با نگاه به مقوله‌های پژوهش و تاثیر محدودیت‌ها و قابلیت‌های محیطی و سازمانی می‌توان با به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب، گام‌های موثری در جهت بهبود کاهش بحران دموکراسی، افزایش خروجی‌های مطلوب، افزایش مداوم نرخ رشد، رشد و توانمندسازی تکنولوژیک و اقتصادی برداشت که بهبود این شرایط از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها محسوب می‌شوند. نهایتاً اینکه با ملاحظه شرایط داخلی و پیش‌بینی تحولات و تغییرات جامعه جهانی و با تدوین استراتژی مناسب بازار بین‌المللی، حضور این صنعت در بازارهای جهانی تداوم یافته و اثرات این حضور در رشد شاخص‌های بهبود کاهش بحران دموکراسی، افزایش خروجی‌های مطلوب، افزایش مداوم نرخ رشد، رشد و توانمندسازی تکنولوژیک و اقتصادی کشور موثر خواهد بود.

در مراحل ابتدایی رشد و توسعه اقتصادی، به بیان دقیق‌تر تا زمانی که کشورها به بنیاد صنعتی مستحکمی دست نیافتند، رشد سریع اقتصادی، هم در چارچوب نظام‌های دموکراتیک و هم تحت لوای حکومت‌های اقتدارگرا میسر خواهد بود. مساله مهم‌تر در هر دو نظام، وجود نهادی مستقل و خارج از حیطه نفوذ ذی‌نفعان و رانت‌جویان، برای اتخاذ تصمیم‌های کلیدی اقتصادی است. گسترش تجارت بین‌الملل می‌تواند ضمن کمک به رشد اقتصادی، زمینه بهبود دموکراسی در کشورها را فراهم آورد. درحالی که دولت‌ها در دوران گذشته عامل مهمی در اراده جمعی بودند، نیروهای جهانی شدن به کمک گسترش تجارت جهانی و افزایش ارتباطات ملت‌ها باهم، به‌طور جدی موجب گسترش آزادی‌های مدنی در دنیا شدند. چارچوب‌های نوین ارتباطی و تجاری بین کشورها ممکن است شرایط بیان نیازها و خواست‌های مردم و پاسخگویی به آن‌ها را بهتر از سازوکارهای قدیمی فراهم نمایند. گسترش تجارت جهانی می‌تواند عاملی باشد که انتقال قدرت و اصل اختیار تصمیم‌گیری فردی را تسهیل کند و نیروی حاکم همواره در نزدیک‌ترین فاصله ممکن با شهروندان قرار گیرد.

با توجه به رویکرد سیاست‌گذاری، کشورها برای افزایش رشد اقتصادی و رفاه مادی جوامع، تنها به سیاست‌های اقتصادی اکتفا نکرده و سعی کردند به سیاست‌هایی همچون افزایش آزادی‌های سیاسی و فردی، حاکمیت قانون، گسترش نهادهای دموکراتیک، کاهش نابرابری بین زنان و مردان و افزایش

آموزش بپردازند تا از طریق این سیاست‌ها، با فراهم آوردن شرایط بهتر در افزایش و گسترش دموکراسی، راه را برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی هموار ساخته و موجبات توسعه همه‌جانبه جوامع را فراهم سازند.

در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که سطوح بالای رشد اقتصادی و افزایش تجارت می‌تواند گامی در جهت دموکراتیزه کردن باشد. گسترش تجارت بین‌الملل می‌تواند ضمن کمک به رشد اقتصادی، زمینه بهبود دموکراسی را فراهم آورد. در حالی که دولت‌ها در دوران گذشته عامل مهمی در اراده جمعی بودند، نیروهای جهانی شدن به مدد گسترش تجارت جهانی و افزایش ارتباطات ملت‌ها باهم، به‌طور جدی موجب گسترش آزادی‌های مدنی در دنیا شدند. چارچوب‌های نوین ارتباطی و تجاری بین کشورها ممکن است شرایط بیان نیازها و خواست‌های مردم و پاسخگویی به آن‌ها را بهتر از سازوکارهای قدیمی فراهم نمایند. گسترش تجارت جهانی می‌تواند عاملی باشد که انتقال قدرت و اختیار تصمیم‌گیری فردی را تسهیل کند و نیروی حاکم همواره در نزدیک‌ترین فاصله ممکن با شهروندان قرار گیرد.

حال با توجه به پژوهش‌های انجام شده توسط بشیریان (۱۳۹۸) که به بررسی تاثیر توسعه اقتصادی بر دموکراسی پرداخته است، نتایج حاصل از برآورد الگو با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته نشان دهنده آن است که متغیرهای فوق‌الذکر بصورت منفرد، اثر معناداری بر دموکراسی ندارند. اما در صورتی که توسعه اقتصادی با استفاده از یک شاخص ترکیبی وارد الگو شود، اثر مثبت و معنادار توسعه اقتصادی بر دموکراسی نمود پیدا می‌کند که با نتایج پژوهش حاضر همراستا و همخوانی دارد و تایید می‌شود. همچنین نتایج پژوهش حسینی‌غفار و همکاران (۱۳۹۶) که به بررسی در مورد دموکراسی و رشد پرداخته اند، نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی و سیاسی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارد که با نتایج پژوهش حاضر همراستا و همخوانی دارد و تایید می‌شود. مطالعات مرادی افشار و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که اثرات فضایی تجارت بر بهبود سطح دموکراسی تأیید شد و بیانگر همراستا بودن با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. همچنین تحقیقات سلوستر (۲۰۱۵)، داکسیس (۲۰۱۵) و کنوتسن (۲۰۲۱) نشان دادند که دموکراسی با کاهش نتایج بد اقتصادی و تضمین عملکرد پایدارتر، عموماً برای کارآفرینان ریسک‌گریز، سرمایه‌گذاران، کارگران و مصرف‌کنندگان به‌طور یکسان مفید است که این مطالعه نیز با نتایج پژوهش حاضر همراستا است و همخوانی دارد. مطالعات سولیموسی (۲۰۲۰) نیز نشان داد که نگرش‌ها و سیاست‌های دولت تأثیر بیشتری در شکل‌گیری و موفقیت کسب و کار نسبت به دو مفهوم دیگر دارد و همچنین تحقیقات چنگ و اویانگ (۲۰۱۶) که به بررسی تاثیر دموکراسی بر رشد اقتصادی پرداختند نشان داد که کشورهای دموکراتیک که تجربه طولانی مدت حکومت دموکراتیک دارند، رشد بالاتری را تجربه کردند که نتایج این پژوهش‌ها با نتایج پژوهش حاضر همراستا است و تایید می‌شود.

همچنین باید اشاره کرد که این پژوهش با محدودیت‌هایی مثل عدم آشنایی برخی از مصاحبه شونده‌ها با روش پژوهش داده‌بنیاد، امتناع از ارائه پاسخ شفاف برخی از پاسخ‌دهندگان به دلیل مسائل سازمانی، کمبود مطالعات پژوهشی در ارتباط با موضوع پژوهش و محدودیت زمانی مصاحبه شونده‌ها ناشی از تصدی‌گری مشاغل کلیدی سازمان مواجه بوده‌است. علاوه بر این پژوهشگر پیشنهاد‌های کاربردی همچون ارائه راهکارهای موثر به منظور جلب نظر سازمان‌های مربوطه جهت پیاده‌سازی و عمل بر اساس آن در حوزه صادرات، استفاده از نیروهای بومی، تحصیل کرده‌های حوزه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و دیگر رشته‌های مرتبط و گسترش مراوده با کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل، گسترش آموزش‌های حوزه دموکراسی، تجارت و پرداختن به مسائل آن از طریق برگزاری اجلاس‌ها و نشست‌های تخصصی در سطح کشور، ایجاد رشته‌های مربوط به دموکراسی تجاری در اکثر دانشگاه‌ها و ارائه دروس مربوط به حوزه دموکراسی تجاری در کشور، در راستای ضرورت حفظ حقوق شرکت و توجه به مصالح کارکنان آن و همچنین توسعه پایدار شرکت، ابتدا قبل از آنکه در خصوص مشارکت و منافع کارکنان، مقررات الزام‌آور در قانون وضع گردد، به شرکت‌های تجاری پیشنهاد و توصیه می‌گردد که در راستای نیل به توسعه پایدار به تدوین و اجرای یک دستورالعمل راهبردی و تبیین راهکارهای حفظ حقوق و منافع کارکنان خود اقدام نمایند، پیشنهاد می‌شود که در تبیین چارچوب‌های کلی که در خصوص حاکمیت شرکتی وضع می‌گردد، حمایت از کارکنان از طریق امکان طرح یک دعوی مشتق از جانب آنان فراهم شود.

مزیت این شیوه حمایتی نسبت به سایر شیوه‌های موجود در عرصه بین‌الملل آن است که نخست این شیوه حمایتی در ادبیات حقوقی و ساختار حاکم بر شرکت‌های تجاری ایران سابقه کافی را داشته و نسبت به سایر شیوه‌های حمایتی موجود از قابلیت پذیرش بیشتری برخوردار است. دوم به لحاظ اقتصادی از حیث صرفه‌جویی که در وقت و هزینه ایجاد می‌نماید، دارای توجیه اقتصادی است. همچنین کشورها جهت افزایش رشد اقتصادی و رفاه مادی جوامع خود، تنها دموکراسی تجاری را ملاک عمل قرار نداده و در کنار این نوع سیاست‌ها سعی کنند به سیاست‌هایی همچون افزایش آزادی‌های سیاسی و فردی، حاکمیت قانون، گسترش نهادهای دموکراتیک و افزایش آموزش بپردازند تا از طریق این سیاست‌ها، با فراهم آوردن شرایط بهتر در افزایش و گسترش دموکراسی، راه را برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی هموار ساخته و موجبات توسعه همه‌جانبه جوامع را فراهم سازند.

## منابع

- بشیریان، معصومه. (۱۳۹۸). *بررسی تأثیر توسعه اقتصادی بر دموکراسی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی*. دانشگاه بجنورد، دانشکده علوم انسانی.
- بیتهام، دیوید. (۱۳۹۹). *دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)*. ترجمه: شهرام نقش‌تبریزی. تهران: ققنوس. چاپ ۹.

تقی زاده، حدیثه. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تأثیر دموکراسی و فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای غرب و شرق آسیا. دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد و مدیریت. جعفری پرویزخانلو، کرم؛ خضری، محمد؛ ازلی، رباب. (۱۳۹۸). تحلیل تأثیر دموکراسی بر نرخ تورم: مطالعه موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA). *دو فصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*. ۶ (۲)، ۲۷۷-۳۱۱.

جغتائی، سمیه؛ بابکی، روح‌اله؛ خشنودی، عبدالله. (۱۴۰۱). اثر آزادی اقتصادی و دموکراسی بر توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو اوپک). *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۷ (۳)، ۳-۳۳.

کاررونی، علیرضا؛ اصغرپور، حسین؛ نفیسی مقدم، مریم. (۱۳۹۹). بررسی اثر ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی: رویکرد پانل پویا. *فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. ۱۰ (۳۹) ۵۵-۷۴.

صادقی عمروآبادی، بهروز. (۱۴۰۰). تحلیل اثرات دموکراسی و تجارت آزاد بر دریافتی عوامل تولید در ایران. *تحقیقات اقتصادی*. ۵۵ (۴)، ۹۱۵-۹۳۹.

صادقی، کمال؛ پورعبدالپهان کویچ، محسن؛ محمدزاده، پرویز؛ کریمی، زهرا؛ علی‌مرادی‌افشار، پروین. (۱۳۹۶). بررسی همگرایی دموکراسی در کشورهای در حال توسعه با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی فضایی. *مدل‌سازی اقتصادی*. ۱۱ (۴)، ۹۵-۱۱۴.

فتوحی، محسن. (۱۳۹۸). بررسی موانع روند دموکراتیزاسیون در کشورهای آسیای مرکزی مطالعه موردی تاجیکستان و ترکمنستان. دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ورهرامی، ویدا؛ درگاهی، حسن؛ بیرانوند، فرانک. (۱۳۹۷). تأثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد صادراتی شرکت‌های پتروشیمی ایران (مطالعه موردی: صادرات پلی-اتلین). *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهید بهشتی*. ۹ (۲)، ۱۰۱-۱۲۴.

Abdellatif, A. M. (2003, May). *Good governance and its relationship to democracy and economic development*, In Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, Seoul (Vol. 20, No. May, p. 31).

Allen, F., & Zhao, M. (2007). The corporate governance model of Japan: shareholders are not rulers. *PKU Business Review*, 36(7), 98-102.

Andersen, D. (2022). *One road to riches? How state building and democratization affect economic development*; by Haakon Gjerløy, Carl Henrik Knutsen, Tore Wig and Matthew Charles Wilson, New York, NY, Cambridge University Press, 2022, 88 pp., ISBN 978-1-009-05369-3 (online), ISBN 978-1-009-05455-3 (paperback, \$15).

- Beck, N. Kristian, S. Gleditsch, D. and Kyle, B. (2006). "Space is more than Geography: Using Spatial Econometrics in the Study of Political Economy". *International Studies Quarterly* 50(1): 27-44.
- Boese, V. A., Edgell, A. B., Hellmeier, S., Maerz, S. F., & Lindberg, S. I. (2020). *Deterring dictatorship: explaining democratic resilience since 1900. V-Dem Working Paper*, 101.
- Boese, V. A., Edgell, A. B., Hellmeier, S., Maerz, S. F., & Lindberg, S. I. (2020). *Deterring dictatorship: explaining democratic resilience since 1900. V-Dem Working Paper*, 101.
- Bowie, N. (2018). Corporate democracy: how corporations justified their right to speak in 1970s Boston. *Law and History Review*, 36(4), 943-992.
- Brown, S. (2020). Foreign aid, the mining sector and democratic ownership: The case of Canadian assistance to Peru. *Development Policy Review*, 38, O13-O31.
- Cheng m. & Ouyang, R. (2016), Democracy and growth: A Perspective from democratic experience, *Economic Inquiry*, 54(4): 1790–18049
- Chisadza, C., & Bittencourt, M. (2019). Economic development and democracy: The modernization hypothesis in sub-Saharan Africa. *The Social Science Journal*, 56(2), 243-254.
- De Jong, G., & Van Witteloostuijn, A. (2004). Successful corporate democracy: Sustainable cooperation of capital and labor in the Dutch Breman Group. *Academy of Management Perspectives*, 18(3), 54-66.
- Fitzroy, F. R., & Nolan, M. A. (2021). *The Inefficiency of Employment and the Case for Workplace Democracy*.
- Heo, U., & Tan, A. C. (2001). Democracy and economic growth: a causal analysis. *Comparative politics*, 463-473.
- Jiang, F., & Kim, K. A. (2020). Corporate governance in China: A survey. *Review of Finance*, 24(4), 733-772.
- Knutsen, C. H. (2021). A business case for democracy regime type, growth, and growth volatility. *Democratization*, 1-20.
- Krieger, T. (2022). Democracy and the quality of economic institutions: theory and evidence. *Public Choice*, 192(3-4), 357-376.
- Linkner, J. (2014). *The road to reinvention: How to drive disruption and accelerate transformation*. John Wiley & Sons.
- Lipset, S. M. (2019). Why no socialism in the United States?. In *Radicalism in the Contemporary Age* (pp. 31-150). *Routledge*.
- Mallin, C. (2016). *Corporate governance*. Oxford university press.

- Markopoulos, E., & Vanharanta, H. (2015). *The company democracy model for the development of intellectual human capitalism for shared value. Procedia Manufacturing*, 3, 603-610.
- Markopoulos, E., & Vanharanta, H. (2017). *Space for company democracy. In Advances in Human Factors, Business Management, Training and Education* (pp. 275-287). Springer, Cham.
- Martinez-Jimenez, R., Hernández-Ortiz, M. J., & Fernández, A. I. C. (2020). Gender diversity influence on board effectiveness and business performance. *Corporate Governance; The international journal of business in society*.
- Mathonnat, C., & Minea, A. (2019). Forms of democracy and economic growth volatility. *Economic modelling*, 81, 594-603.
- Naciti, V., Cesaroni, F., & Pulejo, L. (2021). Corporate governance and sustainability: A review of the existing literature. *Journal of Management and Governance*, 1-20.
- Nadeem, A. H. (2020). *Pakistan: The Politics of the Misgoverned*. Taylor & Francis.
- Nordin, F., & Lindbergh, J. (2019). Foreign market learning: an integrative model of its antecedents, processes and outcomes. *Journal of Business & Industrial Marketing*.
- Paul Krugman the M.I. T Press(1988) “*What should Trade Policy Target? In: Strategic Trade Policy and the New International .Spencer B .Economics*”, P.71.
- Pozuelo, J., Slipowitz, A., & Vuletin, G. (2016). *Democracy does not cause growth: the importance of endogeneity arguments*.
- Reich, R. (2008). Hyper-capitalism is transforming business, democracy and everyday life. *Review of society and business*.
- Scobie, M. R., Milne, M. J., & Love, T. R. (2020). Dissensus and democratic accountability in a case of conflict. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 33(5), 939-964.
- Siami-Namini, S. (2017). Reverse Privatization and New Government Reforms: A Review of Theory and Evidence. *International Journal of Current Advanced Research*, 6((۰۰))
- Sima, D., & Huang, F. (2023). Is democracy good for growth?—Development at political transition time matters. *European Journal of Political Economy*, 102355.
- Solyomossy, E. (2020). Business in the US Democracy. *Rev. Eur. & Comp. L.*, 42, 169.



- Steinmetz, J. (2019). *Theories of Democracy. Politics, Power, and Purpose: An Orientation to Political Science*.
- Stoian, M. C., Rialp, J., & Dimitratos, P. (2017). SME networks and international performance: Unveiling the significance of foreign market entry mode. *Journal of Small Business Management*, 55(1), 128-148.
- Suryawati, N. (2021). Constitutional rights perspective and economic democracy based on Pancasila economic system. *International Journal of Business, Economics & Management (IJBEM)*, 4(1), 262-268.
- Sylwester, K. (2015). Does democracy increase growth more in new countries?. *Economics & Politics*, 27(2), 266-289.
- Talisse, R. B. (2013). *A pragmatist philosophy of democracy*. Routledge.
- Uddin, M., Ali, M. H. & Masih. M. (2017). "Plitical Stability and Growth: An Application of Dynamic GMM and Quantile Regression". *Economic Modelling*, 64, 610-625.
- Vanharanta, H., & Markopoulos, E. (2019). The applied philosophy concept for management and leadership objects through the Company Democracy Model. *Theoretical Issues in Ergonomics Science*, 20(2), 178-195.
- Wangwe S., *New Trade Theories and Developing Countries: Policy and Technological Implications. UNU/INTECH Working Paper No.7*. 1993.
- Wiesner, C. (2019). Free trade versus democracy and social standards in the European Union: trade-offs or trilemma? *Politics and Governance*, 7(4), 291-300.
- Zaitul, Z., & Ilona, D. (2018). Gender in audit committee and financial reporting timeliness: The case of unique Continental European Model. *International Journal of Engineering & Technology*.